



۳۰/۲/۱

نشست تخصصی: تبيين الگوی ساخت



ارائه: حجت‌الاسلام علی کشوری
(دبير شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی)
شهر مقدس قم: بنیاد خاتم‌الاولیاء؛ ۱۴ خرداد ۱۳۹۸

سؤال سوم:
الگوی تفصیل چه
جایگاهی در
تثبیت نظریات
فقهی دارد؟

سؤال دوم:
چگونه میان
نظریات فقهی و
نظریات
پوزیتیویستی
نظام مقایسه
ایجاد کنیم؟

سؤال اول:
مدرنیته چگونه
نظریات
پوزیتیویستی را
در جامعه حاکم
می‌کند؟



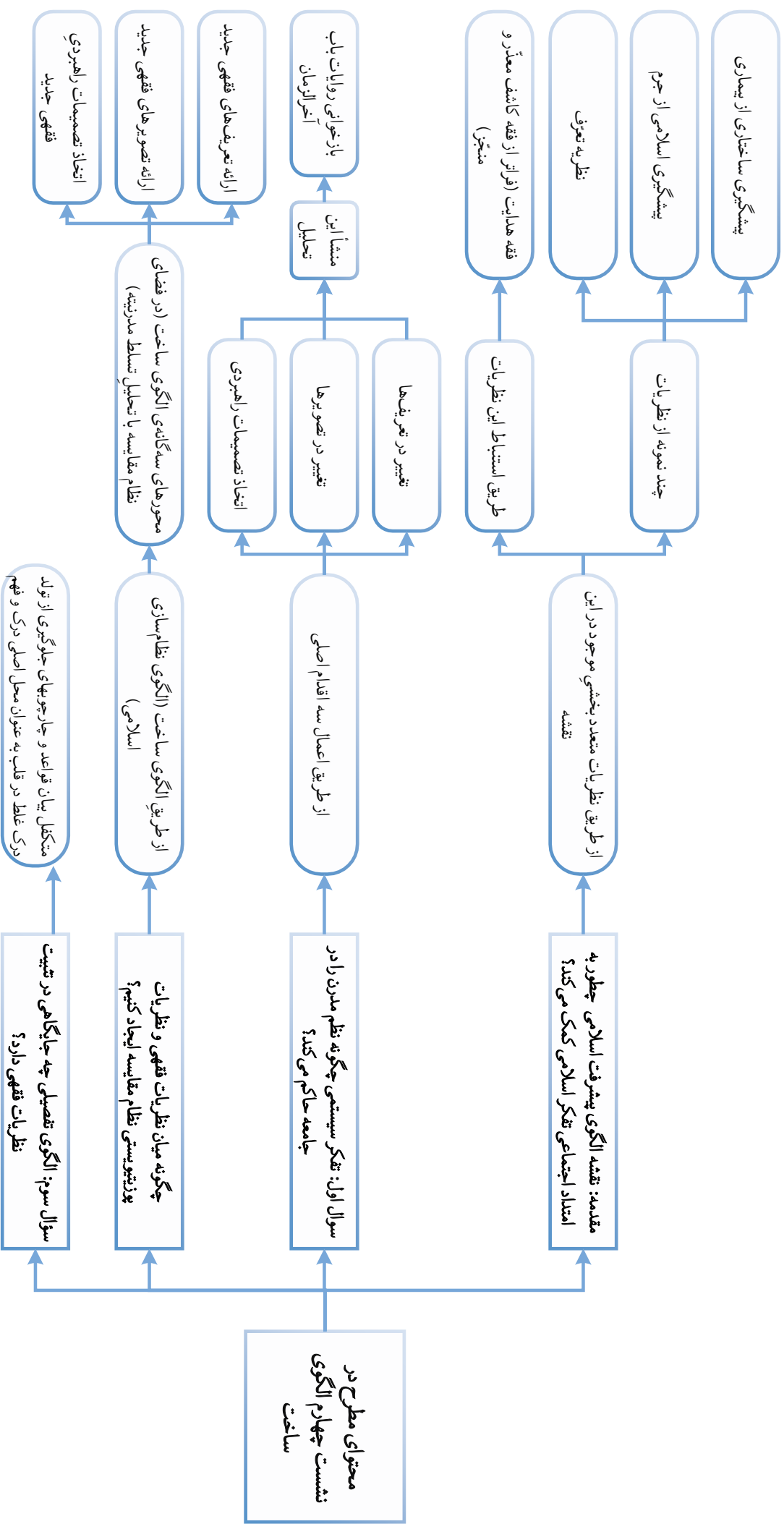
شناسنامه:

جزوه پیش رو متن پیاده شده سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در جلسه چهارم از سلسله نشست‌های تبیین مفهوم الگوی ساخت (الگوی نظام‌سازی اسلامی) است که در تاریخ ۱۴ خردادماه ۱۳۹۸ در قم مقدسه برگزار شده است. پیشنهاد می‌شود این جزوه در قطع رحلی به انتشار برسد.

فهرست اجمالی

۱. مقدمه: نقشه الگوی پیشرفت اسلامی چطور به امتداد اجتماعی تفکر اسلامی کمک می‌کند؟ ۱
- ۱/۱. وجود نظریات متعدد بخشی در نقشه راه؛ عامل امتداد اجتماعی فقه اسلامی توسط نقشه راه ۲
- ۱/۲. «فقه هدایت»؛ پشتوانه نقشه راه و تولید نظریات بخشی موجود در این نقشه ۳
۲. سؤال اول: تفکر سیستمی چگونه نظم مدرن را در جامعه حاکم می‌کند؟ ۷
- ۲/۱. تغییر در تعریف‌ها، تصویرها و آغاز تصمیمات راهبردی؛ سه اقدام اصلی برای حاکم کردن نظم مدرنیته ۷
- ۲/۲. بازخوانی روایات باب آخرالزمان؛ محور اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی در تحلیل چگونگی سلطه مدرنیته ۱۱
۳. سؤال دوم: چگونه میان نظریات فقهی و نظریات پوزیتیویستی نظام مقایسه ایجاد کنیم؟ ۱۴
- ۳/۱. جلوگیری از شکل‌گیری تعریف‌ها، تصویرها و تصمیم‌های غلط؛ محور نظام مقایسه میان نظریات فقهی و نظریات پوزیتیویستی ۱۴
۴. سؤال سوم: الگوی تفصیلی چه جایگاهی در تثبیت نظریات فقهی دارد؟ ۱۸
- ۴/۱. لزوم انتقال محتوای تولیدشده در الگوی ساخت به قلب مخاطبین و نه ذهن آن‌ها ۱۸
- ۴/۲. الگوی تفصیلی؛ متکفل بیان قواعد و چارچوب‌های جلوگیری از تولد درک غلط در قلب ۱۹
- پیوست شماره ۱ ۳۰

جلسه چهارم الگوی ساخت (الگوی نظام‌سازی اسلامی)



بسم الله الرحمن الرحيم

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَشَفِيعِنَا فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ - أَرْوَأْنَا لِأَمَالِهِ الْفِدَاءِ - وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِ أَعْدَاءِ اللَّهِ.

۱. مقدمه: نقشه الگوی پیشرفت اسلامی چطور به امتداد اجتماعی تفکر اسلامی کمک می‌کند؟

همانطور که به اطلاع دوستان محترم رسیده است جلسه امروز به تبیین ساختار الگوی ساخت اختصاص دارد. الگوی ساخت یکی از نظریات بخشی مطرح در اولین نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی^۱ است که کارکرد آن تبیین استظهاری و فقهی مسئله مدیریت در جامعه است. در واقع اصطلاحاً، «الگوی ساخت» یکی از «نظریات مدیریتی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی» محسوب می‌شود.

ان شاء الله امروز بنده سعی می‌کنم در سه سرفصل یک درک اجمالی نسبت به مسئله الگوی ساخت به دوستان ارائه کنم و امیدوارم شرایط و توفیق همراهی کند و بتوانیم یک دوره تفصیلی برای این مسئله مهم برگزار کنیم. همانطور که دوستان استحضار دارند کشور در مسئله مدیریت به الگوهای غربی مبتلا است و تقریباً همه نهادها از ماتریس «SWOT»^۲ یا سایر روش‌های آینده‌پژوهی برای مدیریت مجموعه خودشان استفاده می‌کنند. این الگوها - حتی اگر جهت آنها را عوض کنیم - آفت‌هایی را به ما تحمیل می‌کنند. به همین دلیل اگر توان این را داریم که با استفاده از آیات و روایات در حوزه مدیریت حرفی را مطرح بکنیم، بسیار لازم است سریع‌تر دست به کار شویم. حالا امیدواریم توفیق همراهی کند و این بحث‌های تفصیلی را در آینده ادامه دهیم.

۱. آدرس توضیحات مربوط به اولین نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت: (nro-di.blog.ir)

۲. تحلیل SWOT تحلیلی است که بر پایه چهار متغیر قوت (Strength)، ضعف (Weakness)، فرصت (Opportunity) و تهدید (Threat) صورت می‌پذیرد. علی‌رغم وجود اشکال نگرش بخشی به مسائل، این تحلیل یکی از شایع‌ترین تحلیل‌ها در نوع خود است.

من قبل از اینکه سه ساختار اصلی الگوی ساخت را خدمت دوستان مطرح کنم، باید مقدمه‌ای را بگویم که این نوع مقدمه هم به فهم بحث کمک می‌کند. همانطور که شما استحضار دارید ما پیش‌نویس چهاردهم نقشه الگوی پیشرفت اسلامی را سال ۱۳۹۰ به اتمام رساندیم؛ یعنی مجموعه فعالیت‌های پژوهشی خودمان که از اواسط دهه ۷۰ شمسی با موضوع اداره جامعه با مبنای دین شروع کرده بودیم را حوالی سال ۱۳۹۰ به جمع‌بندی رساندیم و بنده مکرر عرض کرده‌ام که آن جمع‌بندی، نظریه پردازش موضوعات جهت‌ساز است.^۳

۱/۱. وجود نظریات متعدد بخشی در نقشه راه؛ عامل امتداد اجتماعی فقه اسلامی توسط نقشه راه

ذیل نظریه موضوعات جهت‌ساز، نقشه‌ای را منتشر کرده‌ایم که در آن نقشه مجموعه‌ای از نظریات بخشی موجود است. با تدوینی که نقشه راه ما دارد - که بسیار مسئله‌محور و روشن است - شما با صد نظریه بخشی روبرو هستید که خود ما در هفت سال گذشته توفیق داشته‌ایم که کمتر از ۵۰ مورد از این نظریات را طرح و بحث کنیم. لذا به نظر من اگر به دنبال راه‌حلی هستیم که از جنس نقد و اعتراض محض به وضعیت موجود نباشد، یک احتمال خوب این نقشه‌ای است که در دسترس می‌باشد. البته ابتدا انکارهایی وجود داشت، ولی فکر می‌کنم که به تدریج آن حالت انکار دارد جای خودش را به حالت پرسش و استفهام می‌دهد؛ زیرا تا به حال مبتنی بر این نقشه چهل کتاب آماده شده است و اگر ما و دوستانمان توان بیشتری به خرج می‌دادیم بیشتر از این می‌توانستیم به مصاف نظریات ناکارآمد توسعه غربی برویم.

به هر حال عرض بنده این است که در ۵۰ سال آینده انقلاب و سال‌های آتی - که ان‌شاء‌الله به ظهور ولیعصر^ع ختم خواهد شد - جایگاه امام و دین را به این شکل می‌توانیم تثبیت کنیم. شما اگر سخنرانی‌های اول انقلاب بزرگان ما را ببینید، یک جمله در آن سخنرانی‌ها موج می‌زند و آن جمله این است که اسلام می‌تواند جامعه را اداره کند و اسلام دین کاملی است. صدا البته که این یک اعتقاد قلبی است و هم‌اکنون نیز مؤمنین به اسلام و انقلاب در سینه خودشان از آن محافظت می‌کنند.

حالا اگر آن اعتقاد بخواهد عملیاتی شود، اصطلاحاً ما باید برای بخش‌های مختلف، نظریات بخشی ارائه بدهیم و به بحث‌های اثباتی دین، مبتنی بر استظهار و تفقه ورود پیدا کنیم. بنده مخالف این هستم که این نظریه‌پردازی مبتنی بر فلسفه اتفاق بیافتد. دلیل مخالفت هم این است که تا الان فلسفه امتداد اجتماعی پیدا نکرده است و اگر قرار بود فلسفه صدرایی^۴ امتداد اجتماعی پیدا کند، با وجود هشدارهای رهبر معظم انقلاب در طول سال‌های گذشته مبنی بر وجود خلاء در فلسفه،^۵

۳. برای مطالعه درباره نظریه پردازش موضوعات جهت‌ساز به این آدرس مراجعه کنید: (<http://nro-di.blog.ir/1393/05/09>)

۴. حکمت متعالیه، عنوان نظام فلسفی صدرالدین محمد شیرازی، می‌باشد. نظریه اصالت وجود ریشه، و مباحثی چون تشکیک در وجود، وحدت وجود، اتحاد عاقل و معقول، نگرش خاص به معاد، وجود رابط و مستقل، فروع مباحث وی را در بر می‌گیرد.

۵. در فلسفه و علوم عقلی بایستی حرکت خودمان را سرعت بدهیم. و خوشبختانه در جوامع شیعی و بخصوص در ایران علوم عقلی رشد بسیار خوبی داشته است؛ از گذشته هم همین جور بوده؛ دانشمندان و متفکرین عقلی بزرگی در کشور ما و در مجموعه علوم اسلامی وجود داشته‌اند و حضور پیدا کرده‌اند که آثارشان هم هست. در این زمینه باید در علوم عقلی پیش برویم. غربی‌ها با امتداد فلسفه‌های خودشان، مسائل سیاسی، مسائل حکومتی، مسائل اجتماعی را حل کرده‌اند. من دیروز در نمایشگاه کتاب کتابهایی را دیدم که غربی‌ها نوشته‌اند، [در] تأثیر فلسفه در فوتبال؛ یعنی امتداد فلسفه حتی به فوتبال! ببینید این امتداد دادن مسائل فکری خودشان به تمام عرصه‌های زندگی و میدان‌های زندگی [است]؛ ما این کار را بایستی انجام بدهیم. ما از لحاظ فلسفه قوی هستیم؛ فلسفه اسلامی از فلسفه غربی، قوی‌تر و ریشه‌دارتر و دارای استحکام بیشتر است، ولی بایستی امتداد آن در زندگی، محسوس باشد؛ قضاوت فلسفه ما در مورد حکومت، در مورد مسائل اجتماعی، در مورد اقتصاد، در مورد عموم مسائل تمدن‌ساز بایستی معلوم باشد؛ روشن باشد؛ این‌ها کارهایی است که باید انجام بگیرد. این‌ها در زمینه علوم خاص اسلامی است، در زمینه علوم طبیعی هم همین جور است.

می‌بایست تا الان امتداد اجتماعی پیدا می‌کرد. حالا ممکن است این اتفاق در آینده رخ بدهد، از نظر ما فرض محال، محال نیست.

۱/۲. «فقه هدایت»؛ پشتوانه نقشه راه و تولید نظریات بخشی موجود در این نقشه

به هر حال ما فکر می‌کنیم آن اعتقاد اول انقلاب را با فقه (آیات و روایات) می‌توان جلو برد. البته فقهی که تنها کاشف معذّر و منجّز نیست،^۶ بلکه فقه و فقیه‌ی که به فقه به صورت تکامل یافته نگاه می‌کند؛ به این معنا که در روایات ما مکرر آمده است که هیچ امری نیست، مگر اینکه کتاب و سنت در مورد آن صحبت کرده است؛^۷ یعنی فقیه‌ی که چنین نگاه حداکثری به دین دارد و کتاب و سنت را علاج همه امور زندگی بشر می‌داند.

خب حالا این نگاه به فقه باید خود را در امری نشان دهد و وقتی می‌گوییم اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی؛ تصویر ما نیز تلاش برای نشان دادن این ظرفیت است. خواهش می‌کنم نخبگانی که با مباحثات الگوی پیشرفت اسلامی آشنایی دارند به این مسئله توجه کنند که ما نیامده‌ایم جلسه‌ای بگذاریم و مانند آنچه بعضی از بزرگان ما در چهارده گذشته گفتند، به شکل نظری بگوییم که دین می‌تواند! من به یاد دارم که در دوره پژوهش، زمانی که کتاب‌ها را بررسی می‌کردیم؛ یک عنوان اصلی کتاب‌ها این بود که گستره دین و شریعت تا کجاست؟! موافقین و مخالفین گستره حداکثری شریعت به طور مفصل وارد بحث می‌شدند؛ اما چه کسانی که قائل به گستره حداقلی شریعت بودند و چه کسانی که قائل به گستره حداکثری شریعت بودند، گستره مورد نظر خودشان را مدیریت نمی‌کردند. توجه کنید! حتی آنهایی که حداقلی نگاه نداشتند نیز اینطور بودند؛ کأنّ گستره حداکثری دین، یک گزاره فلسفی صرف است که ما باید اکنون روی آن فقط بحث کنیم؛ [با همین رویکرد] نیز عده‌ای با یک سری ادله مخالف دین حداکثری می‌شدند و افرادی هم با ادله‌ای موافق می‌شدند. حالا که فکر می‌کنیم می‌بینیم چقدر عمر از ما در این مباحثات هدر رفت؛ فرضاً من معتقدم گستره شریعت، حداکثری است. ثمّ ماذا؟! حالا من باید چه کار کنم؟ طبیعتاً الان باید بروم بر اساس نگاه خودم تصرف اجتماعی کنم [ولی] این اتفاق خیلی کم رخ داده است و این یک مشکل است؛ این، یکی از مصادیق ابتلای ما به مباحثات فلسفی است.

۶. حجت اصولی عبارت از هر چیزی است که متعلق خود را به حسب جعل شرعی اثبات کند. به بیان دیگر هرگاه مکلف به چنین حجتی عمل کند و عمل او با واقع مطابقت نکند، می‌تواند به وسیله آن بر مولی احتجاج کند، و خود را در عمل به آن معذور بداند. اگر برطبق آن عمل نکند و در نتیجه واقع از او فوت شده باشد، مولی می‌تواند بدان وسیله احتجاج کرده، و او را درخور کیفر بداند. (معذرت و منجّزیت)

فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ص ۱۶۱ و ۱۶۲

۷. عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ الْمُؤَذَّرِ عَنْ عُمَرَ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَدْعُ شَيْئاً يَخْتِاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَبَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ وَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدّاً وَجَعَلَ عَلَيْهِ دَلِيلاً يَدُلُّ عَلَيْهِ وَجَعَلَ عَلَى مَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ حَدّاً.

امام باقر علیه السلام می‌فرمود: خدای تبارک و تعالی چیزی از احتیاجات امت را وانگذاشت جز آنکه آن را در قرآنش فرو فرستاد و برای رسولش بیان فرمود و برای هر چیز اندازه و مرزی قرار داد و برای رهنمائی آن، رهبری گماشت و برای کسی که از آن مرز تجاوز کند کیفری قرار داد. [ترجمه مصطفوی]

الکافی، ج ۱، ص ۵۹

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبُرْقِيِّ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: ... فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا جَاءَ فِي الْكِتَابِ وَجَاءَ فِيهِ الشُّنَّةُ.

اختصاص ص ۲۸۱ / بصائر الدرجات ج ۱ ص ۳۰۱

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ چیز نیست مگر درباره آن آیه‌ای در قرآن کریم یا حکمی در سنت وارد شده است.

خیلی خوب! من مثل همیشه نرمش قهرمانانه می‌کنم و می‌گویم: قبول! فرضاً فلسفه می‌تواند [وارد اداره جامعه شود]. در اینصورت کدام نظریه فلسفه صدرایی متکفل توصیف امتداد اجتماعی در یک بخش خاص است؟ مثلاً در حوزه طب چه بحثی را مطرح کرده‌اند؟ آیا امتداد اجتماعی فلسفه صدری به طب می‌رسد؟ و اگر می‌رسد نظریه آن چیست؟ در حوزه آموزش چطور؟ حوزه آموزش نیز حوزه‌ای است که ما باید امتداد اجتماعی تفکرمان را در آنجا مطرح کنیم. در حوزه قضا و قضاوت چطور؟ در حال حاضر پیداست قوه قضائیه محترم ما قصد دارد در سیستم خودش تحولاتی ایجاد کند؛ [برای مثال] به حوزه علمیه آماده و تقاضای فکری مطرح کرده است.^۸ خب کدام مجموعه حوزوی از حدود این ۳۰۰ یا ۴۰۰ مجموعه حوزوی - حتی با شش ماه فرصت تدوینی - می‌تواند به مسئله ورود پیدا کند و آینده‌ای را برای قوه قضائیه ترسیم کند؟

بینید؛ اگر مجموعه‌ای با ضوابط پیچیده این کار، ورود پیدا کند و این کار را متکفل شود، ما آن را از وی قبول می‌کنیم! ولی مادامی که این اتفاق نیافتاده، من پیشنهاد می‌کنم نخبگان و طلبه‌های جوان را به خاطر یک وعده موهوم سر کار نگذاریم! من خودم را مثال می‌زنم و تجربه‌های شخصی خود را می‌گویم؛ ما نزدیک به دو دهه درگیر مباحثات فلسفی بودیم و یاد می‌آید دو دهه پیش به ما وعده می‌دادند که فلسفه تحول پیدا خواهد کرد و خواهد توانست مشکلات را حل کند. آقا! دو دهه، عمر کمی نیست! ما قبلاً فلسفه می‌خواندیم و فلسفه می‌گفتیم و این طور نبود که منکر باشیم! از محضر آقایان تلمذ می‌کردیم و سؤال می‌کردیم و الآن هم هنوز به آنها ارادت داریم؛ ولی تحول در فلسفه هنوز اتفاق نیافتاده است! آیا شما در حوزه علمیه به یک طلبه اجازه می‌دهید که یک سؤال مطرح کند و بگوید چرا بیست سال پیش ما را امیدوار کردید و گفتید بیایید این درس را بخوانید تا تحول مثبتی در جامعه ایجاد شود! تا الآن که این اتفاق نیافتاده است! اگر بیست سال دیگر فرصت بدهیم، آیا این اتفاق رخ خواهد داد؟ بالاخره باید یک زمان معقولی ارائه دهیم و فرضاً بگوییم یک نسل طول می‌کشد. اگر شما عمر یک نسل را هم بخواهید، تا همین الآن نصف آن گذشته است! خیلی باید با یکدیگر جدی‌تر سخن بگوییم! در غیر این صورت این تجربه تلخی که در ذائقه بنده حقییر است، خدای نکرده به دیگران هم منتقل شده و عمومی خواهد شد! (البته بر فرض اینکه نگوییم همین الآن هم عمومی شده است!)

ما وقتی درباره اولین نقشه‌الگوی پیشرفت اسلامی سخن می‌گوییم، در واقع داریم درباره یک نحوه امتداد اجتماعی تفصیلی تفکر فقهی سخن می‌گوییم! البته همه حق مناقشه کردن در آن را دارند و می‌توانند از سند روایات مورد استناد تا دلالات و استظهارات و قواعدی که ما در استنباطات خودمان استفاده می‌کنیم، اشکال کنند! من در این بحثی ندارم؛ بلکه می‌گویم ما وارد امتداد اجتماعی شده‌ایم و سخن تفصیلی درباره آن گفته‌ایم! اینطور نیست که بگویید این اشکالی که ما به دیگران می‌گیریم، قابل اغماض است! خیر؛ همه جریان‌ها باید اینچنین ورودهایی داشته باشند و این دعوت اصلی این نوع جلسات در حوزه علمیه قم است و ما در یک فضای آرام و منطقی در حال طرح و مطرح کردن آن هستیم. ضمناً ما بحث‌هایمان را هم در سطوح مختلف مطرح می‌کنیم؛ برای نمونه گاهی به خدمت مراجع تقلید و اساتید سطوح عالی حوزه علمیه می‌رسیم و با همین بزرگواران و برادران عزیز خودمان هم این مباحث را مطرح می‌کنیم که بالاخره تصویر تفصیلی امتداد اجتماعی دین چه زمانی بیرون می‌آید؟! یا اساساً در یک قدم قبل‌تر، لوازم تولد تصویری این تفکر چیست!؟

۸. حجت‌الاسلام سید ابراهیم رئیسی (رئیس قوه قضائیه): بعضی از کتب، بسیاری از فروعات و نکات ریز فقهی را مطرح می‌کنند و پاسخ می‌دهند و این نشان از اهمیت فقه است؛ وقتی امروز فقه حکومت می‌کند، سؤالات زیادی مطرح می‌شود که باید به آن پاسخ داد و این اقدام باید توسط حوزه علمیه صورت گیرد و بر همین اساس نیاز است که رابطه علمی با حوزه علمیه قم برقرار شود.

این، مسئله‌ای است که باید در مباحثات به صورت جدی‌تر به آن پرداخته شود و من خواستم در بحث‌های مقدماتی عرض کنم که ما مثلاً ما در حوزه طب، «نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری» را مطرح کرده‌ایم؛ این نظریه، یک تصویر از طب و نظام سلامت در جامعه ارائه می‌دهد.

در حوزه محرومیت‌زدایی و مدیریت مسئله حیاتی فقرا و محرومین، «نظریه تعریف» را مطرح کرده‌ایم.^۹ نظریه تعریف یک تصویر تفصیلی از چگونگی مقابله با محرومیت و استضعاف و فقر به مخاطب نشان می‌دهد. البته جای مناقشه و بحث وجود دارد، منتها نکته مهم این است که این بحث به صورت تفصیلی وجود دارد و یک متفکر می‌تواند اصلاً سرفصل‌های این بحث را قبول نکند، اما [بالاخره تولید شده و] وجود دارد و ما به نحو تفصیلی در مباحثات فقهی این موضوع را مطرح کرده‌ایم.

در بحث قوه قضائیه «نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم»^{۱۰} را مطرح کرده‌ایم؛ سؤال اول این نظریه نیز این است که آیا میان وقوع جرم و پیدایش اصطکاک میان انسان‌ها در جامعه و نظم اجتماعی نسبتی وجود دارد یا خیر؟ اساساً ورودی نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم، بررسی نسبت بین نظم اجتماعی و وقوع جرم است.

یا در مسئله مدیریت جامعه - که بحث امروز ما در این جلسه است - مسئله «الگوی ساخت» و «الگوی تفصیل» را مطرح کرده‌ایم که دو الگوی مدیریتی هستند و ان‌شاء‌الله در مباحثات امروز به آنها می‌پردازم. خلاصه سعی کرده‌ایم مجموعه الگوهای بخشی مختلفی را - با بضاعت مزجات خودمان و ضعف‌هایی که خودمان قبول داریم در وجود ناقصمان است - مطرح کنیم و هیچ عیبی ندارد که یک فاضل محترمی به سند روایتی که مطرح کرده‌ایم یا به دلالتی که مبنا قرار دادیم و یا به قواعدی که حاکم بر استظهارات خودمان کرده‌ایم اشکال وارد کند؛ آن چیزی که اشکال دارد این است که شرمندۀ امام عظیم الشان و این فضای با برکت انقلاب اسلامی شویم، دینداران و متدینین هیچگاه در طول تاریخ چنین شرایط آماده‌ای را برای تغییر نظم اجتماعی مبتنی بر تعالیم انبیاء در اختیار نداشته‌اند؛ همین مسئله است که مورد اعتراض است و باید طرح و گفتگو شود.

بنده فکر می‌کنم اگر این اتفاق رخ دهد دیگر باقی چیزها مهم نیست؛ واقعاً اصلاً مهم نیست که بعداً فلسفه فرهنگستان^{۱۱} به پذیرش برسد یا فلسفه صدرایی، یا مکتب تفکیک،^{۱۲} یا نوتفکیکی‌ها و یا فقه هدایتی^{۱۳} که ما مطرح کرده‌ایم؛ اشکالی ندارد که

۹. نظریه تعریف، نظریه حوزه محرومیت‌زدایی اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی است؛ برای اطلاع بیشتر از این نظریه به «پیشخوان تعریف» رجوع فرمایید.

۱۰. برای مطالعه توضیحات اجمالی «نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم» به این آدرس مراجعه کنید: (nro-di.blog.ir/1395/06/22)

۱۱. موسسه‌ای، پژوهشی و مذهبی است که بعد از انقلاب توسط سید منیرالدین حسینی الهاشمی در شهر قم تأسیس شد. این مؤسسه در زمینه نظریه‌پردازی در تولید علم دینی فعال است. بعد از رحلت سید منیرالدین حسینی الهاشمی در سال ۱۳۷۹، سید محمد مهدی میرباقری مسئولیت این فرهنگستان را عهده‌دار است.

۱۲. نگرشی خاص به تفکیک سه روش معرفتی قرآن، فلسفه و عرفان مصطلح است. مبدع این مکتب، «میرزا مهدی اصفهانی» و از دنباله‌کنندگان در قید حیات این مکتب، استاد محمدرضا حکیمی، آیت‌الله سیدان و ... هستند.

۱۳. ساختار مباحثات فقه هدایت با استضائه به آیات و روایات سه دسته بحث را شامل می‌شود: **دسته اول مباحثات، فقه الحیاء** نام دارد که در آن ۱۲ گونه بحث مرتبط با خلقت مباحثه می‌شود. مانند مراحل خلقت در عالم و بررسی کیفیت خلق مخلوقات جدید به صورت مستمر و ... **دسته دوم مباحثات، فقه التقدير** نام دارد که در آن ۱۲ گونه بحث مرتبط با تقدیر و اعطاء توسط مقام ربوی مباحثه می‌شود. مانند بررسی استظهاری حکمت تقدیر ظرفیت‌های مختلف در عالم و ... **دسته سوم مباحثات، فقه النظام** نام دارد که در آن ۹ گونه بحث مرتبط با نظام‌سازی مباحثه می‌شود. این ۹

هریک از این‌ها - اگر بتواند قواعد حجیت را تمام کند و بتواند نظم اجتماعی را از سلطه نظم اجتماعی توسعه غربی خارج کند - مورد قبول واقع شود. لذا همینجا می‌خواهم عرض کنم که اگر جایی دیدگاهی را به صراحت نقد کردیم و هکذا اگر کسی به قواعد استظهاری ما اشکال کرد، [اشکالی ندارد؛] مثلاً اگر دیدید فردی اشکال می‌کند که چه کسی گفته است «فقه یعنی کشف صیرورة»؟^{۱۴} - ما به جای کشف معذر و منجز گفته‌ایم: «فقیه کسی است که سیر صیرورة را کشف و استنباط می‌کند» - اشکال گرفتن از مباحث زیاد مهم نیست؛ چون برای ما این مهم است که آیا آن جریان می‌تواند نظم اجتماعی را سرپرستی کند یا نه؟

به نظرم در این جلسه اگر مبنا همین حرف ما باشد، ما یک گام بسیار بزرگ را به جلو برداشته‌ایم؛ اینکه بتوانیم در آینده طلبه‌ها و علمایی داشته باشیم که در منبرها و کتاب‌ها و درس‌هایشان به این سمت حرکت کنند که اجازه ندهند نظم اجتماعی در دست اغیار و دشمنان دین خدا و در دست سازمان ملل و سازمان‌های ناقصش باقی بماند؛ همان موضوع بسیار مهمی است که باید به خاطر آن رگ گردنمان متورم شود! حساسیت اصلی این است که نظم اجتماعی جامعه در دست کیست؟ نظم اجتماعی در دست فقه و دین است و یا در دست تفکرات سکولار توسعه غربی است؟ وقتی حساسیت ما بر روی این مسئله قرار گرفت، هر کسی می‌تواند بیاید در مورد آن بحث و گفت‌وگو کند. این مباحث مقدماتی مباحثات الگوی ساخت بود که محضر شما دوستان عرض کردم، خوب بحث الگوی ساخت را هم از همینجا شروع می‌کنم.

گونه بحث شامل ۱. فقه الامام ۲. فقه العلم ۳. فقه التزکیة ۴. فقه الی بیان ۵. فقه المکاسب ۶. فقه الفرقان ۷. فقه النظم ۸. فقه العبرة ۹. فقه نفی سبیل می‌شود.

۱۴. برای مطالعه در مورد معنای فقه در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی، به متن نشست تبیین نظریه تعریف در حوزه علمیه مروی (۲۱ فروردین ۱۳۹۷) مراجعه فرمایید.



۲. سؤال اول: تفکر سیستمی چگونه نظم مدرن را در جامعه حاکم می‌کند؟

۲/۱. تغییر در تعریف‌ها، تصویرها و آغاز تصمیمات راهبردی؛ سه اقدام اصلی برای حاکم کردن نظم مدرنیته

از سه بخشی که به تبیین الگوی ساخت اختصاص دارد، اولین بخش بحث این است که مدرنیته و تفکر سیستمی، چگونه در جوامع میزبان خودش و در جوامعی که در آنجا مدرنیته به وجود آمده، نظم را حاکم می‌کند؟ یعنی کار را از کجا شروع می‌کند؟ این یک سؤال مهم است، چون ما الآن به نظم مدرن مبتلا هستیم. مثلاً در حوزه سلامت کاملاً ناکارآمدی‌های مدرنیته را درک می‌کنیم؛ به نظرم دومین بودجه عمومی کشور در اختیار وزارت بهداشت و درمان است^{۱۵} و سیاست‌های WHO^{۱۶} - یعنی بخش سوم سند توسعه پایدار - نیز در ایران تقریباً در حال اجرایی شدن است. با اینکه مدرنیته کاملاً در حوزه سلامت در حال رخ دادن است، خوب است آقایانی که طرفدار مدرنیته و توسعه هستند بگویند چرا در این بخش به این مقدار ناکارآمدی داریم؟ نظریات WHO در حوزه طب حاکم است و اصلاً کسی با آن مخالفتی نکرده است؛ قوانینش در مجلس تصویب می‌شود و بودجه می‌گیرد؛ نظریات آن‌ها در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند و [عده‌ای] کتاب‌هایشان را ترجمه می‌کنند، با این وجود چرا این همه ناکارآمد هستند؟

در حوزه مسکن و شهرسازی هم همین ناکارآمدی‌ها را می‌بینیم. در حوزه اقتصاد - که چهاردهه است نظریات توسعه حاکم است - مرتباً ارزش پول ملی کاهش پیدا می‌کند و فقرا فقیرتر می‌شوند،^{۱۷} در دولت آقای روحانی فقرا خیلی فقیرتر شدند؛ چون تفکرات توسعه در این دولت بیشتر از سایر دولت‌ها پیاده شد و همه مردم هم این بحث‌ها و ناکارآمدی‌ها را قبول دارند.

سؤال اصلی ما این است این نظمی که در بخش‌هایی از جامعه مانند بخش مسکن، سلامت و اقتصاد حاکم است و ما خیلی به آن اعتراض داریم، چگونه خودش را به وجود آورده است؟ به لحاظ تاریخی نمی‌خواهم بحث کنم، بلکه می‌خواهم به لحاظ ماهیتی بحث کنم که تفکر سیستمی چگونه خودش را به پذیرش می‌رساند؟ چگونه خودش را ترمیم می‌کند؟ این اولین سوالی است که ما باید از تمدن مدرنیته داشته باشیم.

طبق بحث‌های تفصیلی که قبلاً ارائه دادیم به نظرمان می‌آید که محور ایجاد این نظم مدرن در جوامع سه چیز است، این سه چیز خیلی مهم هستند. اولاً مدرنیته در تمام حوزه‌ها تعاریف جدیدی به ما ارائه می‌دهد؛ مثلاً در همین حوزه سلامت که من مثال زدم وقتی با تعاریف مدرنیته روبه‌رو می‌شوید، متوجه می‌شوید که در مورد مفهوم حیات و زندگی صحبت می‌کنند؛ مثلاً موجود زنده را به اتوپوز-موجود خود تکثیر شونده - تعریف می‌کند. یا مثلاً حیات را به محوریت سلول [تعریف می‌کند و می‌گوید] سلول، واحد اولیه حیات است. در سلول هم مولکول‌های زیستی وجود دارد و فرایندهای میان این مولکول‌های زیستی رخ می‌دهد؛ مثلاً متابولیسم^{۱۸} یا آنابولیسم^{۱۹} اتفاق افتاده و چربی‌ها و قندها تجزیه می‌شوند. فرایندهایی سلولی،

۱۵. در بودجه سال ۱۳۹۸، وزارت بهداشت با بودجه ۱۴۴ هزار و ۸۶۹ میلیارد و ۶۶۰ میلیون ریال در جایگاه سوم بودجه وزارتخانه‌ها قرار دارد.
۱۶. سازمان بهداشت جهانی، یکی از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل است؛ این نهاد یک سری راهبردها ذیل نظریات غلط برای سلامت پیشنهاد می‌کند.

۱۷. به پیوست شماره ۱ مراجعه فرمایید.

۱۸. نظریه سلولی؛ بر اساس این نظریه همه موجودات زنده از سلول و فرآورده‌های فعالیت سلول‌ها تشکیل شده‌اند.

زیست‌شناسی سلولی و مولکولی، دکتر احمد مجد - دکتر سید محمد علی شریعت‌زاده، آیز، تهران، سیزدهم، ۱۳۸۹، ص ۱۱
دگرگشت یا سوخت‌وساز یا متابولیسم (به انگلیسی: Metabolism)، مجموعه تغییرات ترکیبی و تخریبی در موجودات زنده است. دگرگشت مجموعه‌ای از تحولات شیمیایی زندگی پایدار در سلول‌های سازواره‌های زنده است. آنزیم‌هایی که واکنش‌ها را کاتالیز می‌کنند، به سازواره‌ها (ارگانیسم‌ها) اجازه رشد و تولیدمثل، حفظ ساختار، و پاسخ به محیط خود را می‌دهند.

فرایندهای مفصلی هستند و تا الآن هفت الی هشت رشته علمی مرتبط با سلول به وجود آمده است و سلول را توصیف می‌کنند. پس برای حاکم کردن نظم مدرن اول از تعریف شروع می‌کنند.

مثلاً وقتی در حوزه ساختمان ورود می‌کنید، مقررات ملی ساختمان از مسکن یک تعریف ارائه می‌دهد و مسکن را بر مبنای کاربری به تجاری، مسکونی، زیرساخت و غیره تقسیم می‌کند؛ یعنی وقتی شما شروع به درس خواندن در مورد ساختمان می‌کنید، ابتدائاً ساختمان را برای شما تعریف می‌کنند. همیشه ایجاد نظم آن‌ها، از یک ترمینولوژی و نظام اصطلاحات و تعاریف مشخص شروع می‌شود. مثلاً به محوریت ایجاد ارزش افزوده یک تعریف از اقتصاد ارائه می‌کنند و در فرایندهای اقتصادی همه چیز حول ارزش افزوده می‌چرخد.

این مسئله در همه حوزه‌ها عمومیت دارد و بر اساس پژوهش‌های کارگروه پژوهش ما، معتقدیم که در برابر تمدن مدرنیته با مجموعه‌ای از تعاریف روبرو هستیم. تمدن مدرنیته اولاً و بالذات تمدن تعاریف پوزیتیویستی است، این تمدن شروع به ارائه تعاریف جدید می‌کند و این مسئله، حرف اول این نظم است؛ در واقع نظم مدرن، بر این تعریف سوار است.

کار دومی که آن‌ها در نظم غربی انجام می‌دهند این است که اثر آن نظم بر زندگی انسان را به صورت مجزا -حالا یا در یک فصل جداگانه یا در یک علم جداگانه؛ هر دو نوع آن را داریم- بحث می‌کنند. برای مثال وقتی تعریف ساختمان را مطرح می‌کنند یک سرفصل نیز مطرح کرده‌اند که اگر ساختمان را با این تعریف بسازیم، چنین اثری بر زندگی انسان دارد. دقت بفرمایید این یک بخش مجزا است که کمک می‌کند تا انسان جایگاه خود را نسبت به آن تعریف پیدا کند! برای مثال در همین بخش ساختمان به شما می‌گویند اگر شما مقررات ملی ساختمان را رعایت کنید، هزینه سرمایه‌های شما کاهش می‌یابد؛ زیرا مثلاً گفته‌اند که پنجره‌های دوجداره استفاده کنید یا تدابیر دیگری را پیشنهاد داده‌اند. سعی می‌کنند نسبت تعریف اولیه‌شان با انسان و زندگی انسان را تبیین کنند.

به اصطلاح به این بخش، بخش «تصویرسازی تمدن مدرنیته» می‌گویند و عمدتاً رسانه‌ها این کار را انجام می‌دهند. برای مثال برجرام -برجام را به این دلیل مثال می‌زنم که برای مردم امروزه ایران ملموس است- یک متن حقوقی داشت و خیلی بحث‌های لغوی حول آن مطرح بود که آیا [معنای فلان کلمه] لغو هست یا تعلیق؟ برخی از لغات را در آنجا بسیار بحث می‌کردند. آمریکایی‌ها می‌گفتند مراد ما تعلیق بوده است و گویا زبان خارجی ایرانی‌ها خوب نبوده است و فکر می‌کرده‌اند که آن لغت خاص، معنی لغو می‌دهد، خوب یک بحث حقوقی در آنجا وجود داشت. از گذشته رسم بود که وقتی کسی معاهده‌ای می‌بستند -از زمان ترکمنچای هم رسم بوده است- یک نسخه از معاهده به زبان هر کدام از کشورها نوشته می‌شد و اعتبار حقوقی هم داشت؛ مثلاً اگر بین ایران و روسیه یک معاهده‌ای امضا می‌شد، این معاهده نسخه فارسی هم داشت و آن نسخه فارسی به همان میزان اعتبار داشت که نسخه روسی آن اعتبار دارد! حالا اما در برجرام بحث می‌شد که چرا نسخه فارسی ندارد. خوب این‌ها همه بحث‌هایی تعریفی بود حول اینکه «یک توافق‌نامه خوب چه تعریفی دارد؟» اما دوستان ما غافل شدند که مسئولان یک سری از فواید را در زندگی مردم به برجرام نسبت می‌دهند؛ مثلاً اینکه تحریم‌ها همه رفع می‌شوند و شما رونق اقتصادی پیدا می‌کنید یا ارزش پول ملی افزایش پیدا می‌کند. این بخش، تصویرسازی برجرام بود. در حالی که ما و دوستان ما که منتقد برجرام

۱۹. فراگشت یا آنابولیزم (به انگلیسی: Anabolism) فرآیندی شیمیایی است. فراگشت فرآیندی سازنده در روند سوخت‌وساز بدن (دگرگشت) است که در آن انرژی صرف می‌شود تا مواد ساده‌تر مانند اسید آمینو ترکیب گردد و ترکیبات آلی پیچیده‌تر مانند زیماپه‌ها (آنزیم‌ها) و اسیدهای هسته‌ای ساخته شود.

بودند - البته حق هم با دوستان ما بود - قدرت تصویرسازی نسبت به نقدهای خودشان نداشتند و حالا که چند سال گذشته است وقتی بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که دوستان ما در نقد متن برجام قوی عمل کردند، ولی نمی‌توانستند نسبت بین مردم و انتقادهایشان را تصویرسازی کنند و این مسئله روشنی است و می‌توانید آن را بررسی کنید؛ حالا نه اینکه یک نفر هم مثلاً پنج سخنرانی نکرده است، مسئله این است که در طرف دیگر، آقای روحانی و تیمشان در تصویرسازی موفق عمل کردند و برجام را عامل نجات به مردم معرفی کردند. این، بخش تصویرسازی است.

در حال حاضر بنده عرض می‌کنم که دوستان توسعه‌گرا و تمدن‌مدرئته یک بخش، تصویرسازی مفصل دارند. هالیوود و رسانه‌ها در اینجا معنا می‌شوند، خواهش می‌کنم به بحث دقت کنید. مثال می‌زنم تا واضح شود: مثلاً در بخش سلامت که محل بحث است، حیات را به محوریت سلول تعریف می‌کنند، این بخش تعریف است. بخش تصویر کجاست؟ آنجایی که مواد غذایی را بر اساس متابولیسم طبقه‌بندی می‌کنند. شما در بخش متابولیسم با دخالت مؤثر ریزمغذی‌ها^{۲۰} در متابولیسم سلول روبرو هستید. مثلاً اگر ویتامین A در فرآیند متابولیسم ورود پیدا نکند - کُل ویتامین‌ها به این شکل هستند - فرآیند متابولیسم دچار مشکل خواهد شد. این بخش تعریف است و در علوم مورد بحث قرار می‌گیرد؛ اما وقتی همین را وارد تصویرسازی می‌کنند، غذاها را بر اساس ریزمغذی‌ها طبقه‌بندی می‌کنند. مثلاً می‌گویند ما هفت دسته مواد غذایی داریم. به او می‌گوییم ملاک تو در این دسته‌بندی چیست؟ می‌گوید متابولیسم؛ مثلاً در برخی از غذاها ریزمغذی‌ها بیشتر هستند، در برخی لپیدها و در برخی دیگر قندها بیشتر هستند. خلاصه سعی می‌کند نسبت تعریفش را با مردم بحث کند و لذا مردم، آن علم را در زندگی خود می‌بینند. در کجای زندگی این علم را می‌بینند؟ مثلاً در طبقه‌بندی غذا. مثال‌های دیگری نیز وجود دارد و خودتان می‌توانید آن را پیدا کنید.

در بخش‌های دیگر مانند اقتصاد نیز همین‌گونه است؛ مثلاً اگر کسی نگاه نهادگرایی داشته باشد یا نئوکینزی باشد - عمده دوستانی که در دولت هستند و ارزش پول ملی ما را کاهش دادند نیز نگاه نهادگرایی دارند و بخشی از آن‌ها هم نئوکینزی هستند - تعاریفی خواهد داشت که این تعاریف را باید در کتاب منکیو^{۲۱} بخوانید؛ مثلاً در این کتاب از چسبندگی قیمت‌ها بحث شده است و بیان شده است که کینزی‌ها در این مسئله چه چیزی را بحث کرده‌اند. این یک بحث علمی است که در دانشگاه‌ها بحث کرده‌اند؛ ولی هنگامی که آن نهادگرا یا نئوکینزی با مردم صحبت می‌کند به آن‌ها کارت خرید می‌دهد، این دولت قصد داشت این کار را بکند. کارت خرید یعنی چه؟ یعنی تحریک طرف تقاضا؛ آنها می‌گویند بازار و اقتصاد یعنی عرضه و تقاضا و من برای اینکه بازار را رونق بدهم باید تحریک طرف تقاضا را هم داشته باشم؛ البته این طرح هم شکست خورد ولی کسی برای این طرح چالش ایجاد نکرد. برای خرید کالای ایرانی کارت خرید - که مبلغش را هم به خاطر ندارم - اختصاص دادند. وقتی این افراد با مردم صحبت می‌کنند حرف از چسبندگی قیمت‌ها نمی‌زنند، این را در دانشگاه‌هایشان و در بخش تعریف می‌گویند. هنگامی که می‌خواهند با مردم صحبت کنند از کارت خریدشان با مردم صحبت می‌کنند. لذا این نظم، قدرت تصویرسازی نیز دارد.

۲۰. بنابر نگرش خاص رایج در حوزه متابولیسم؛ تمام خوراکی‌هایی که ما می‌خوریم در یکی از دو دسته ریز مغذی‌ها و درشت مغذی‌ها قرار می‌گیرند. ریز مغذی‌ها اغلب شامل ویتامین‌ها، مواد معدنی (روی، سلنیوم، آهن، منیزیم، کلسیم و ...) و آنتی‌اکسیدان‌ها هستند.

۲۱. گریگوری منکیو، استاد دانشگاه‌ها و واروار است که کتاب‌ها و مقالات بسیاری از او در زمینه اقتصاد به چاپ رسیده و کتاب‌های او از کتب رسمی درس اقتصاد در دانشگاه‌هاست.

بحث را گم نکنیم؛ سؤال این بود که مدرنیته چگونه در حال ایجاد نظم است؟ بخش سومی که مدرنیته برای ایجاد نظم وارد آن شده است، بخش تصمیمات راهبردی‌ای است که می‌گیرد، این تصمیمات راهبردی نیز بخشی از فرآیند ایجاد نظم است. من سؤال می‌پرسم، مثلاً شما فکر می‌کنید چند نفر در ایران تصمیم گرفته‌اند تراریخته‌ها را غذای غالب مردم کنند؟ به نظر من این افراد بیشتر از ۱۰ نفر نیستند. آن‌هایی که در بخش تعریف تراریخته‌ها کار و پژوهش می‌کنند زیاد هستند، ولی آن افرادی که تصمیم راهبردی می‌گیرند جمعی محدود هستند. مثال کوچکی بزنم تا بحث جا بیافتد؛ مثلاً در حال حاضر با پدیده هجوم ملخ‌ها به ایران روبرو هستیم.^{۲۲} فرضاً چند نفر در وزارت بهداشت و چند نفر دیگر در وزارت جهاد نشسته‌اند و برای از بین بردن ملخ‌ها تصمیم گرفته‌اند تا سم پاشی کنند و به همین خاطر مقدار زیادی سم خریداری کرده‌اند و ملخ‌ها را از بین می‌برند.^{۲۳} درحالی‌که با بازنگری نگاه گذشتگانمان درباره این موضوع می‌توانستیم استفاده‌های فراوانی کنیم؛ مثلاً اگر می‌آمدند یک ابزارهای تحریکی برای مردم قرار می‌دادند، می‌توانستیم از این پدیده به‌عنوان غذای دام و طیور استفاده کنیم و فقط باید تکنولوژی صید این‌ها را مقداری بحث می‌کردیم. ضمناً ایرانی‌ها به‌سرعت قدرت تولید تکنولوژی‌های بخشی را دارند؛ یعنی قدرت آن‌ها در مهندسی معکوس از چینی‌ها بالاتر است و فقط کافی بود یک جمعیتی را تحریک می‌کردید تا این ملخ‌ها را منتقل کنند. این یک تصمیم راهبردی است، اما خب مسئولین تصمیم گرفته‌اند که سم پاشی کنند و غذا را مسموم کنند. بنده را بیخشد که از الفاظ رکیک استفاده می‌کنم ولی با این کار ملخ را از چرخه زیستی حذف می‌کنند و هنگامی که ملخ را حذف می‌کنند در حال ضربه زدن به چرخه زیستی و اکوسیستم هستند؛ چراکه بخشی از چرخه زیستی را حذف می‌کنند. این یکی از ضربه‌هایی است که بنابر تعاریف خود آقایان ایجاد می‌شود. یکی دیگر از ضربه‌ها این است که ما در حال حاضر به مقدار زیادی سم وارد می‌کنیم؛ ما از دوستانمان آمار دقیقی دریافت نکرده‌ایم که میزان ماندگاری این سموم در طبیعت چقدر است؟ در دوره‌های قبل بی‌دقتی‌هایی رخ داده است و من می‌ترسم این سموم از همان سموم باشد. بنده به یاد دارم وقتی سم DDT^{۲۴} را وارد ایران کردند، این سم را به‌عنوان یک آفت‌کش وارد ایران کردند؛ درحالی‌که وقتی شما از DDT استفاده می‌کنید تمام موجودات آن منطقه را از بین می‌برد و بنده می‌ترسم این سمومی که برای ملخ‌ها استفاده می‌شوند نیز بخش زیادی از متغیرهای زیستی و اکوسیستم را به چالش بکشند. به هر حال می‌خواهم بگویم تمدن مدرنیته بخش تصمیم‌گیری نیز دارد و حواسمان باید به این بخش‌ها نیز باشد.

بنابراین این تصویری است که ما از تمدن مدرنیته در ذهن خود در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی داریم. ما مخالف این نظم هستیم؛ این نظم و جریان توسعه‌گرا در حوزه صلح، امنیت، اقتصاد، سلامت، مسکن، فقر، کاهش ارزش پول ملی و هر حوزه‌ای که شما بگویید به‌طور مفصل آسوه ناکارآمدی هستند. البته این اعتراض‌ها نیز بین‌المللی است و من نمی‌دانم چرا

۲۲. محمدرضا درگاهی رئیس سازمان حفظ نباتات کشور: عملیات مبارزه با ملخ صحرائی در ۳۸ هزار هکتار از اراضی ۶ استان جنوبی کشور اجرایی شد. وی با بیان این که هجوم این تعداد ملخ به زمین‌های کشاورزی در ۴۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است.

خبرگزاری ایرنا / تاریخ خبر: ۳۱ فروردین ۱۳۹۸ / کد خبر ۸۳۲۸۵۳۷۶

۲۳. خسرو عمرانی (معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی استان بوشهر): تاکنون بیش از یکهزار و ۵۰۰ لیتر سم در استان بوشهر برای سمپاشی عرصه‌های مختلف در فاز نخست مصرف شده است؛ بیش از ۱۰ میلیارد ریال از محل اعتبارات ملی و استانی برای آماده‌سازی امکانات، خرید سمپاش‌ها و مصارف سم‌ها هزینه شده که دستگاه‌های مختلف در این زمینه کمک کرده‌اند.

همان

۲۴. دی‌کلرو دی‌فنیل‌تری‌کلرواتان یا ددت (به انگلیسی: DDT)، به‌عنوان معروفترین عامل شیمیایی دفع آفات همیشه مطرح بوده است.

آقای زیبا کلام و دوستانشان که دادِ حقوق بشر و مدرنیته را سرمی‌دهند، چند ماه است درباره شورش‌های پاریس^{۲۵} سکوت کرده‌اند؟ چرا یک نخبه نباید تحلیل‌هایش نسبت به تحولات پاریس را به مردم بدهد؟ بالاخره پاریس مهد تمدن بوده است؛ چرا آنجا الآن به هم ریخته است؟ چرا این برادر عزیزمان - که در هر حوزه‌ای اظهار نظر می‌کند - تحلیل نمی‌کند که چه اتفاقی افتاده که مردم پاریس ایستاده‌اند و به صراحت می‌گویند دموکراسی، دیکتاتوری کارتل‌ها و شرکت‌هاست؟ در برابر این بحث‌ها سکوت اتفاق افتاده است. خوب این نظم در دنیا به چالش کشیده شده است، در ایران نیز در حوزه‌های مختلف به چالش کشیده شده است؛ ولی ما باید یک تصویر داشته باشیم که این نظم چگونه خودش را تحمیل می‌کند. این غلط است که ما بگوییم یک نظامی حاکم شود و ناکارآمدی‌اش را بر زندگی مردم تحمیل کند و ما اکتفا کنیم به اینکه بگوییم این نظم غلط است! اسم این کار، مدیریت تحولات نیست، اسم این کار نظام سازی نیست. با مردم که صحبت کنید همه می‌دانند که داروخانه یعنی تجارت‌خانه؛ یعنی من احساس می‌کنم کم‌کم در افکار عمومی تبادر به ذهن پیدا کند که وقتی می‌گویند تجارت‌خانه به یاد داروخانه بیافتند، یا مثلاً به یاد WHO بیافتند. خوب مردم هم این را قبول دارند! ولی خوب است از خودمان سؤال پرسیم که چه شده است که هم قبول داریم این نظم غلط است و هم این نظم حاکم بر ماست؟ این سؤال اصلی جلسه است. اگر تصویرمان از نحوه حاکم شدن نظم مدرن صحیح نباشد نخواهیم توانست با آن مقابله کنیم.

خب بنده در همین جا برای اولوالباب جلسه - که ان شاء الله همه از اولوالباب هستند - یک نکته را عرض بکنم؛ در اینکه چگونه مدرنیته حاکم شده است چندین گزارش مختلف وجود دارد، یا حداقل بنده چندین گزارش را در دوران پژوهش‌مان دیده‌ام. مثلاً فرهنگستان علوم اسلامی گزارشی دارد که چگونه مدرنیته بر جامعه ما حاکم شده است. دیگرانی مثل مکتب تفکیک نیز گزارش‌هایی از این بحث‌ها گفته‌اند. گزارش‌های تفصیلی و اجمالی از اینکه چگونه مدرنیته حاکم شده است وجود دارد؛ اما می‌خواهم این را عرض کنم که اگر این گزارش، درست باشد؛ بقیه اقدامات ما را تحت تأثیر درست قرار خواهد داد و اگر ناقص باشد، بقیه اقدامات ما را تحت تأثیر منفی قرار خواهد داد. این حرف اصلی بنده است.

۲/۲. بازخوانی روایات باب آخر الزمان؛ محور اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی در تحلیل چگونگی سلطه مدرنیته

یک نکته عمیق عرض کنم و آن اینکه ما فهمان از حاکم شدن مدرنیته را بر اساس آیات و روایات آخر الزمان به دست آورده‌ایم؛ در دوره تفصیلی که برگزار کنیم ان شاء الله آن مطالب را نیز بحث خواهیم کرد. این سؤال وجود دارد که چرا این همه آیات و روایات آخر الزمان در کلام همه پیامبران خصوصاً در کلام پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و کلام ائمه هدی علیهم السلام برجسته شده است؟ این دوره‌ای که ما در آن هستیم، خودِ خودِ آخر الزمان است. آخر الزمان که ما در آن به سر می‌بریم یک دسته روایت دارد؛ اگر کسی می‌خواهد تسلط مدرنیته بر جامعه شیعه و جهان را توصیف و بررسی کند، مجبور است به عنوان یک دسته روایت مهم به سراغ روایت‌های آخر الزمان برود. حداقل عمده تحلیل ما بر اساس بررسی روایات آخر الزمان است.

خب حالا بنده خواستم سرفصل‌ها را برای بحث‌های تفصیلی باز کنم. از این بحث ساده نگذریم، این بحث خیلی مهم است و از این به بعد بحث‌های بنده جایگاه اصلی بودن را ندارد و همه مباحث بعدی روی این بحثی که بیان کردیم سوار است و از لحاظ حجم نیز بحث سبک‌تری است. من می‌خواستم این را عرض کنم که من و شمای طلبه باید تصویری از نحوه حاکم شدن مدرنیته در ذهن داشته باشیم. آیا مثلاً تصویر اسلام و مدرنیته آقای نصیری باید در ذهنمان باشد؟ بنده بسیار صریح صحبت می‌کنم؛ آیا تصویر نظام مدرنیته که آقای سید منیر مطرح کرده در ذهن ما هست؟ آیا تصویرمان، تصویر عین. صاد

۲۵. اشاره به جنبش «جلیقه‌زرها» به مرکزیت شهر پاریس که به کشورهای دیگری مثل بلژیک، هلند و عراق نیز کشیده شد. این اعتراضات از اعتراض به گران شدن قیمت سوخت و مالیات‌ها آغاز و به انتقاد به سیاست‌های کلان لیبرالیسمی دولت امانوئل مکران کشیده شد.

(مرحوم آقای صفایی)^{۲۶} است؟ این‌ها سعی کردند این مسئله را تحلیل کنند. آیا تصویرمان، تصویر شذرات المعارف^{۲۷} مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی رحمته‌الله علیه است؟ مرحوم آقای شاه‌آبادی نیز اظهارنظرهایی و ورودهایی به این مسئله داشته‌اند. آیا تصویرمان، تصویر علماء زمان پهلوی اول است؟ مرحوم آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله علیه، مرحوم آیت‌الله حجت رحمته‌الله علیه، آقایان علماء مقابله‌هایی با مدرنیته داشته‌اند. خوب آیا تصویر آنها درست است؟ کدام تصویر درست است؟ ببینید من تشبیه به طب می‌کنم. پزشک و طبیب ماهر کسی است که تحلیلش از نحوه به وجود آمدن بیماری صحیح باشد؛ هرچقدر این تحلیل درست‌تر و عمیق‌تر باشد نسخه‌ای که به بیمار می‌دهد، صحیح‌تر است.^{۲۸} بسیار مسئله مهمی است که بگویید یک بیماری دقیقاً چگونه پیدا می‌شود؟ هرقدر که فرایند تشخیص‌تان دقیق‌تر باشد، فرایند علاج و نسخه هم دقیق‌تر می‌شود. قضیه مدرنیته نیز به همین صورت است.

فکر می‌کنم حوزه علمیه به گسترش گفتگوها در مورد «چگونگی تسلط مدرنیته» نیاز دارد. باید به تعریف پخته‌ای در این حوزه دست پیدا کنیم. فکر می‌کنم که علت تأکیدات رهبر معظم انقلاب رحمته‌الله علیه در بحث نفوذ و اسناد بین‌المللی همین مسئله است.^{۲۹} زیرا شخصی که اسناد بین‌المللی را مطالعه می‌کند، با مدل نفوذ و تصرف جدیدی مواجه می‌شود؛ اما همه بحث هم روی اسناد بین‌المللی نیست، بلکه یک بسته بحثی و یک سؤال مهم است.

خلاصه اگر سؤالی که در طول جلسه بیان کردیم در ذهن حاضران جلسه متولد شده باشد - نمی‌دانم چقدر قدرت ارائه بنده ضعیف بوده است - فکر می‌کنم که مسئله الگوی ساخت حل شده است. الگوی ساخت یک دغدغه دارد و می‌گوید: «مدرنیته

۲۶. علی صفایی حائری (۱۳۷۸-۱۳۳۰ ش)، معروف به عین صاد، روحانی و نویسنده شیعه. وی بر نگرش نظام‌مند به آموزه‌های دینی تأکید داشت و در بین نظام‌های اسلامی، معتقد به تقدم نظام تربیتی بر نظام‌های دیگر بود. کتاب‌های «مسئولیت و سازندگی»، «رشد» و «صراط»، از جمله آثار مهم اوست.

۲۷. یکی از آثار ارزشمند آیت‌الله‌العظمی میرزا محمدعلی شاه‌آبادی، کتاب شذرات المعارف است که به فارسی نگاشته شده و اولین بار در زمان حیات مؤلف عالی‌قدر آن، در اردیبهشت ۱۳۲۵ش به چاپ رسیده است. به نظر می‌رسد انگیزه تألیف آن، بیان سلسله معارفی بوده است که با توجه به آسیب‌ها و مشکلات و آفاتی که مسلمانان به آن مبتلا شده بودند، راهکارهای عملی و سیاست‌های اصلاحی را در زمینه عده و عده، مبتنی بر حقایق عمیق و گسترده اسلام به مسلمانان نشان دهد.

۲۸. البته ما ذیل بحث «تعریف نسخه بر اساس مزج اختیاری در نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری» در نحوه تشخیص یا به اصطلاح درباره طب بالینی مناقشه کرده‌ایم و در برخی از مباحثات دوستان خودمان مثل مباحثاتی که در کتاب «دراسات فی الطب» جناب آقای تبریزیان آمده است مناقشه کرده‌ایم.

انتقال از متن

۲۹. کی از کارهای اساتید، مسئله‌ی تبیین است که حالا من تشکر میکنم از آقای پارسانیا (۸) که راجع به سند ۲۰۳۰ اینجا صحبت کردند؛ خوب این باید تبیین بشود؛ ما یک چیزی راجع به این سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش گفتیم، خوب حرفهای گوناگونی هم اطرافش زده شد. این مسئله، خیلی مسئله‌ی مهمی است؛ همین‌طور که ایشان اشاره کرد، این جزئی از یک سند بالادستی سازمان ملل - سند توسعه‌ی پایدار - است که یک بخش آن همین سند ۲۰۳۰ مربوط به آموزش و پرورش است. در واقع آنچه اینها در این سند توسعه‌ی پایدار - که از جمله این سند ۲۰۳۰ [در آن] هست - طراحی دارند میکنند و دست‌اندرکار هستند، این است که یک منظومه‌ی فکری و فرهنگی و عملی برای همه‌ی دنیا دارند جعل میکنند. این را چه کسی میکند؟ دستهایی پشت سازمان ملل وجود دارد؛ یونسکو اینجا یک وسیله است، یک ویتترین است؛ دستهایی نشست‌اند، دارند برای همه چیز کشورهای دنیا و همه‌ی ملت‌ها یک منظومه تولید میکنند؛ منظومه‌ای که شامل فکر است، شامل فرهنگ است، شامل عمل است و این را دارند ارائه میدهند و ملت‌ها باید همه بر طبق این، عمل کنند. یک بخش آن هم بخش آموزش و پرورش است که همین سند ۲۰۳۰ است. خوب این غلط است؛ این غلط است؛ اصلاً این معیوب است؛ این حرکت، حرکت معیوبی است. چرا؟ چه کسانی هستند اینهایی که دارند سند توسعه‌ی پایدار را فراهم میکنند؟ چه حقی دارند که درباره‌ی کشورها، درباره‌ی ملت‌ها، درباره‌ی سنت‌هایشان، درباره‌ی عقایدشان، اظهار نظر کنند که باید این‌جوری کنید، باید آن‌جوری کنید؛ همه‌ی اینها هم (باید) است.

-به معنای صاحب نظم غلط و ناکارآمد فعلی - چگونه بر ما مسلط شد؟» اگر کسی این مطلب را درک کند، می‌تواند برنامه‌های زندگی‌اش را بر اساس این درک تغییر دهد؛ برای مثال طلبه‌ای که منبر دارد، بحث‌های خود را باتوجه به این درک محوری‌ای که ساخت مدرنیته مبنی بر آن است مدیریت می‌کند؛ یعنی می‌تواند در بحث‌هایش نظام مقایسه را مدیریت کند. قسمت اولِ عراض بنده به پایان رسید.

جمع‌بندی کنم؛ «چگونه مدرنیته و توسعه غربی نظم جوامع میزبان خود را ایجاد می‌کند؟» پاسخ ما این است که «ابتدا تعاریف جدید - عمدتاً تعاریف پوزیتیویستی - ارائه می‌دهند. سپس به صورت تفصیلی در قالب رسانه‌ها، فیلم‌ها و مدل‌های گوناگون به جایگاه انسان در آن تعاریف می‌پردازند. در نهایت، جمع‌های خاصی تصمیمات راهبردی می‌گیرند. در مورد این جمع‌های خاص در آینده به صورت تفصیلی صحبت می‌کنیم. این جمع‌ها همان «أَزْبَابٌ مُتَّفَرِّقُونَ» (یوسف، ۳۹) هستند که در آیات در موردشان بحث شده است. فکر نکنید همه جریان، بحث علمی است؛ بلکه لجنه‌های تصمیم‌گیری نیز وجود دارد. برای مثال در رسانه‌ها می‌گویند: «حلقه نیاوران»، یا اوایل دوران طلبگی ما می‌گفتند: «حلقه کیان» یا مثلاً می‌گویند: «حلقه نیویورک»؛ این‌ها نام‌گذاری‌های ناقصی برای صاحبان تصمیمات راهبردی است. از دوستانی که بحمدالله در حوزه طب اسلامی موفق و مشغول مجاهدت هستند می‌پرسم: «صاحبان تصمیمات راهبردی در حوزه طب ایران چه کسانی هستند؟ در حوزه بین‌المللی چطور؟» شما باید بدانید که تصمیمات راهبردی را چه کسانی می‌گیرند. در حوزه ساختمان نیز به همین صورت است. پس این سؤال مهمی است که باید به آن پردازیم.

خب از این بحث عبور کنیم و پذیرش و یا عدم پذیرش این گزارش را به شما واگذار می‌کنیم؛ ممکن است بگویید: گزارش‌های دیگران از پیدایش مدرنیته را می‌پذیریم، این کار با شما مستمع است. بنده مفصل حرف‌های همه را شنیده‌ام و جمع‌بندی خودم - که در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی است - را ارائه می‌دهم: «ما معتقدیم این تمدن و نظم غلط، سه پایه دارد و باید به مواجهه با این‌ها رفت.»

۳. سؤال دوم: چگونه میان نظریات فقهی و نظریات پوزیتیویستی نظام مقایسه ایجاد کنیم؟

۳/۱. جلوگیری از شکل‌گیری تعریف‌ها، تصویرها و تصمیم‌های غلط؛ محور نظام مقایسه میان نظریات فقهی و نظریات پوزیتیویستی به طور طبیعی از درون این بحث، ساختار دوم مباحثات بنده نیز واضح می‌شود. تکلیف اول ما این است که این نظم غلط را تغییر دهیم؛ یعنی باید مهاجرت کنیم و این نظم را نپذیریم. ما بنا بر تکلیف نظام مقایسه -الگوی ساخت همین مطلبی است که الآن می‌گویم- در گام اول گفتیم: «اگر می‌خواهید با محوریت دین نظم جامعه‌تان را تغییر دهید، باید تعریف، تصویر و تصمیم را بر مبنای فقه بحث کنید». اگر این اتفاق افتاد، می‌توانید به مقابله با نظم غلط بروید. در جایی که آن نظم، تعریف غلط می‌دهد، شما باید تعریف صحیح بدهید. در واقع آن نظم غلط یک بدعت ظهور یافته است؛ شما چه چیزی را به جای آن می‌گذارید؟ برای مثال در مسکن، تعریف «دار واسع» را داریم.^{۳۰} در گذشته روی این بحث کار کردیم، چندین محور دارد که در آینده بحث می‌کنیم. شما می‌گویید: «تعریف و درک من از مسکن، دار واسع است.»

سپس تصویرسازی را آغاز می‌کنید و می‌گویید انسان در «دار واسع»، سه موفقیت را بدست می‌آورد، یعنی تصویر انسان را در دار واسع بحث می‌کنید. این سه موفقیت چیست؟ اولاً شخصی که در «دار واسع» زندگی می‌کند، موفق به تربیت فرزندش می‌شود و همه مادران در آن‌جا نقش خود را پیدا می‌کنند. تربیت، بسیار مهم است؛ برای نمونه باید در هفت‌سال اول فرزند، بازی او را مدیریت کنید.^{۳۱} خب شما نمی‌توانید بدون «دار واسع» بازی داشته باشید. فرزند نمی‌تواند در فضای آپارتمان بازی کند؛ میان دو محذور قرار دارد: «اگر بازی کند، حقوق همسایه‌ها -که از حقوق واجب است- به چالش کشیده می‌شود. اگر بخواهید حقوق همسایه‌تان را رعایت کنید، مجبور می‌شوید که به فرزند فاقد عقل و تمیزتان به طور دائم امر و نهی کنید؛ در نتیجه شخصیت او را دچار چالش کردید.» کاملاً تصویر معلوم می‌شود.

خاصیت دوم «دار واسع» این است که خوداتکایی در تولید و کیفیت مواد غذایی ارتقا پیدا می‌کند؛ یکی از اسرارِ روایی پخت نان در خانه و نگهداری حیواناتی که منشأ برکت و تقدیس در خانه هستند این است که در تولید خودکفا می‌شوید. البته فوایدی در حوزه سلامت نیز دارد، اما زیرساختش، «دار واسع» است.

مسئله سوم که در «دار واسع» به دست می‌آورد این است که می‌توانید مسئله حقوق همسایگی و محیط آن را مدیریت کنید، این هم مسئله بسیار مهمی است؛ منشأ امنیت است. بنده در نظریه امنیت مبتنی بر روابط انسانی، آثار حوزه امنیت باب روایات همسایگی را بحث کردم و بعضی از جلساتش را در وزارت دفاع مطرح کردم. مسئله همسایگی، بسیار مهم است؛

۳۰. عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْهُ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ مُطَرِّفِ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهِ رَاحَةٌ دَارٌ وَاسِعَةٌ تُؤَارِي عَوْرَتَهُ وَ تَسْتُرُ حَالَهُ مِنَ النَّاسِ وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ وَ ابْنَةٌ أَوْ أُخْتُ أَخْرَجَهَا مِنْ مَنْزِلِهِ إِمَّا بِمَوْتٍ أَوْ بِتَزْوِيجٍ.

امام ششم علیه السلام فرمود: سه چیز برای مؤمن راحت دارند: خانه وسیعی که در آن عورت خود و بدی خود را از مردم بپوشاند، و همسری خوب که او را در امر دنیا و آخرتش کمک کند، و دختر یا خواهری که او را از خانه‌اش بمرگ یا تزویج بیرون کند. [ترجمه کمره‌ای]

المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۰

۳۱. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكُتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ.

ترجمه: پسر بچه، ۷ سال بازی می‌کند و ۷ سال قرآن کریم (یا نوشتن یا کتاب‌ها) را می‌آموزد و ۷ سال حلال و حرام را می‌آموزد.

الكافي ج ۶، ص ۴۷

مسئله همسایگی منشأ پیدایش امنیت است. «جارِ سوء» منشأ پیدایش ناامنی است؛ در مورد همسایه بد و خوب خیلی تأکید شده است.

اینها تصویرسازی ماست. ما یک تعریفی در مورد «دارِ واسع» داریم، در روایت فرموده است: «دارِ واسع» داری است که حیاطش بیشتر باشد نه عرصه‌اش.^{۳۲} در تصویرسازی سه فایده را بیان می‌کنیم: «رعایت حقوق همسایگی، خوداتکایی در تولید (کاهش هزینه‌های خانوار و افزایش کیفیت مواد غذایی) و گسترش تربیت فرزند»؛ این بخش تصویرسازی است.

تصمیم را هم توضیح بدهم؛ ما باید در مسئله مسکن تصمیم بگیریم. باید در شهرهای جدید با نمایندگان مجلس، کمیسیون‌ها و مراجع محترم گفتگو کنیم. اجازه ندهید شهرهای جدید به شکل آپارتمان طراحی شود! بلکه بر مبنای تعاریف «دارِ واسع» طراحی کنید. در خودِ تهران - که پرتراکم‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر ماست - بنده در این مدتی که به صورت میدانی و بر روی زمین بررسی کردم، دیدم حداقل یک سوم مساحت تهران قابلیت بازتعریف مبتنی بر مفهوم «دارِ واسع» را دارد. حالا این را در مباحثات «دارِ واسع» بحث می‌کنیم؛ مسئله پیچیده‌ای هم نیست که فکر کنید باید صبر کنیم تا ظهور اتفاق بیافتد. وزارت مسکن حق ندارد بر مبنای TOD^{۳۳}، شهر خلاق^{۳۴} یا تئوری‌های هیئات^{۳۵} تصمیم بگیرد. باید به آن‌جا برویم و شروع

۳۲. روایت اول: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّازُ قَالَ حَدَّثَنِي سَهْلُ بْنُ زَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي عُثْمَانُ بْنُ عِيسَى عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: تَذَاكِرُنَا الشُّؤْمُ عِنْدَهُ قَالَ الشُّؤْمُ فِي ثَلَاثَةِ فِي الْمَرْأَةِ وَ الدَّابَّةِ وَ الدَّارِ فَأَمَّا شُؤْمُ الْمَرْأَةِ فَكَثْرَةُ مَهْرِهَا وَ عُقُوقُ زَوْجِهَا وَ أَمَّا الدَّابَّةُ فَسُوءُ خُلُقِهَا وَ مَنَعُهَا ظَهْرَهَا وَ أَمَّا الدَّارُ فَضَيْقُ سَاحَتِهَا وَ شَرُّ جِيرَانِهَا وَ كَثْرَةُ عِيوبِهَا.

روایت دوم: أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الشُّؤْمُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِي الْمَرْأَةِ وَ الدَّارِ فَأَمَّا الْمَرْأَةُ فَشُؤْمُهَا غَلَاءُ مَهْرِهَا وَ عُسْرُ وِلَادَتِهَا وَ أَمَّا الدَّابَّةُ فَشُؤْمُهَا كَثْرَةُ عِلَلِهَا وَ سُوءُ خُلُقِهَا وَ أَمَّا الدَّارُ فَشُؤْمُهَا ضَيْقُهَا وَ حُبْتُ جِيرَانِهَا وَ قَالَ مِنْ بَرَكَةِ الْمَرْأَةِ حِفَّةٌ مَنُونَتِهَا وَ يَسْرُ وِلَادَتِهَا وَ [مِنْ] شُؤْمِهَا شِدَّةٌ مَنُونَتِهَا وَ تَعَسَّرُ وِلَادَتِهَا.

[معانی الاخبار ص ۱۵۲]

روایت اول: خالد بن نجیح گوید: در محضر امام صادق علیه السلام باره «نحوست» گفتگو به میان آمد امام فرمود: بدبختی در سه چیز است: در زن، در مرکب، و در خانه. اما نحس بودن زن، سنگین بودن کابین او، و ناسازگاری و فراهم ساختن ناخوشنودی شوهرش می‌باشد، و در مرکب رام نبودن و سرکشی است که نگذارد بر آن سوار شوند، و شومی خانه در کوچک بودن صحن حیاط و داشتن همسایگان بد و عیوب زیاد می‌باشد.

روایت دوم: عبد الله بن میمون از امام صادق علیه السلام روایت نموده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ناخجستگی در سه چیز است: مرکب و زن، و منزل، که ناخجسته بودن زن در بالا بودن مبلغ مهریه و وضع حمل دشوار اوست، و اما نحوست مرکب (سواری) در سرکش بودن و بیمار شدن او، و نحسی منزل، در تنگی (صحن) و بدجنس بودن همسایگانش است. و فرمود: از برکات زن، سبک بودن مخارج و وضع حمل آسان اوست و نحس‌یش، سختگیری در مخارج و زایمان او می‌باشد.

۳۳. TOD (Transit Oriented Development) برنامه مدیریت شهری مبتنی بر توسعه حمل و نقل عمومی.

۳۴. شبکه شهرهای خلاق یونسکو در سال ۲۰۰۴ و برای ترویج همکاری میان شهرهایی به راه افتاد که از خلاقیت به عنوان عاملی راهبردی برای پیشرفت پایدار شهری استفاده کرده بودند. ۱۸۰ شهری که این شبکه را تشکیل داده‌اند، برای رسیدن به هدف مشترکی با هم کار می‌کنند: قرار دادن

خلاقیت و صنایع فرهنگی در قلب برنامه‌های توسعه‌شان در سطح محلی و همکاری فعال در سطح بین‌المللی. <http://fa.irunesco.org>

۳۵. به گفته سایت هایئات: برنامه اسکان بشر ملل متحد (هیئات) برای زندگی شهری بهتر تلاش می‌کند. رسالت هیئات ترویج و ارتقاء توسعه اجتماعی و زیست‌محیطی اسکان بشر و دستیابی به هدف مسکن درخور برای عموم است. هیئات می‌کوشد تا با پیشگامی در فرایند شهری شدن و ترویج تغییر سیاست‌ها، روش‌ها و نگرش‌های مقابله با نیازهای توسعه شهری، رشد شهرها و مناطق روستایی را به فرصتی برای توسعه تبدیل کند؛ فرصتی فراگیر برای همه شهروندان.

آدرس مطلب در سایت رسمی هیئات: yon.ir/0HvZA

این ادعاها کاملاً خلاف واقع بوده و اجرای سیاست‌های مربوط به حوزه مسکن نشان‌دهنده این نوع اقدامات، انواع محرومیت را به افراد تحمیل می‌کند. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره به کتاب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی مراجعه فرمایید.

لینک دانلود کتاب مدیریت شهری با زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی: yon.ir/7eWYc

به تصمیم گرفتن کنیم. ما هم ابزار تصمیم‌سازی داریم؛ نمایندگان انقلابی در مجلس داریم، گروه‌های تصمیم‌ساز داریم. باید شروع کنیم و تصمیم بگیریم.

من همیشه ذکر خیر می‌کنم از دوستانی که با یکدیگر در همین حوزه علمی قم در مورد تراریخته‌ها تصمیم گرفتیم. بنده عرض می‌کنم که اگر این تصمیم و به میدان آمدن آقایان مراجع و علما در حوزه نبود، دوستان دانشگاهی نمی‌توانستند بر مافیای تراریخته غالب شوند. فعلا یک قدم رو به جلو رفتیم و بر روی تراریخته‌ها برچسب ننگ خورده است.^{۳۶} دوستان می‌گویند: «خب در کل دنیا برچسب تراریخته‌ها را نصب می‌کنند.» اما باید بدانید در ایران آقایان مافیای (چه مافیای دارو و چه مافیای تراریخته)، همان‌هایی که در رسانه به آن‌ها سلطان می‌گویند، هیچ نظم و انضباطی را قبول نمی‌کنند. اگر تصمیم حوزه علمی نبود، تصمیم دوستان دانشگاهی مخالف تراریخته نمی‌توانست غالب شود. چندین سال است که تراریخته‌ها بدون برچسب در بازار ایران است؛ چند ماه است که سازمان غذا و دارو دست‌و‌پا نهاده که برچسب تراریخته بر روی محصولات نصب شود. می‌دانید که شرکت‌ها چه کار می‌کنند؟ آنها می‌دانند که مردم تراریخته‌ها را قبول ندارند و با آن تصمیمی که در حوزه علمی قم با همکاری دوستان دانشگاهی گرفته شد، به پذیرش مردم رسید که تراریخته‌ها سلاح هستند و غذا نیستند؛ به همین دلیل چاپ برچسب را ریز می‌کنند و می‌خواهند فرار کنند. البته ما به این راضی نیستیم و باید کشاورزی طبیعی را راه بیاندازیم؛ ان شاء الله آن را در فقه‌المکاسب بحث می‌کنیم. بنابراین الگوی ساخت به صورت ساده می‌گوید: تعریف فقهی شما چیست، همانند تعریف «دار واسع» که عرض کردم؛ «دار واسع» خانه‌ای نیست که عرصه آن وسیع باشد، بلکه خانه‌ای است که حیاط آن وسیع باشد. روایات مربوط به آن را دیده‌اید؛ برای مثال از جمله موارد نحسی خانه این است که حیاط آن کوچک باشد؛ حالا چه برسد به خانه بدون حیاط. در روایات، خانه با حیاط کوچک را نحس و فاقد برکت شمردند. عمده تعریف، به حیاط خانه پرداخته است؛ به چه علت؟ به این دلیل که کارکردهایی در حیاط خانه وجود دارد که اگر نباشد مواردی که شمردم به چالش کشیده می‌شود. «خانه‌ای که حیاط ندارد، حیات ندارد». در تمامی حوزه‌های دیگر به همین صورت است و باید تعریف استظهاری بدهیم.

الگوی ساخت به صورت بسیار ساده و اجمالی می‌گوید: باید تعریف، تصویر و تصمیم فقهی را در مورد هر موضوعی بگوییم. تمامی نظریات بخشی‌ای که خدمت شما عرض کردم، شامل این سه بخش هستند. برای مثال اگر فردی نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری را مباحثه کند، هم با یک تعریف جدید روبرو می‌شود، [هم با یک تصویر جدید و هم با یک تصمیم جدید]. برای مثال ما به جای تعریف موجود زنده به موجود خود تکثیرشونده، بنابر روایات موجود زنده را به موجود تسبیح‌گو و دریافت‌کننده رزق تعریف می‌کنیم، ما از مجموعه روایات و آیات این تعریف را اصطیاد کردیم. به عبارتی هر موجودی که خداوند به او رزق می‌دهد زنده است، این مطلب در مجموعه روایات وجود دارد و در فقه‌الحیاه بحث خواهیم کرد. در نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری این تعریف از حیات را با تعریف حیات به محوریت سلول مقایسه خواهیم کرد و برتری‌های آن را نشان می‌دهیم و تفصیل‌های آن را بحث می‌کنیم.

۳۶. ابلاغیه وحید مفید (مدیر کل امور فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی): ضرورت دارد علاوه بر الزام رعایت مفاد دستورعمل‌های مذکور اقدام لازم در خصوص درج لوگو (نشان) تراریخته به صورت دایره سفیدرنگ و به قطر ۱/۷ سانتیمتر که واژه تراریخته در درون آن با فونت قابل رؤیت بر روی برچسب محصول در کنار آرم سازمان غذا و دارو معمول گردد.

زمانی که در مباحثات به قسمت تصویرسازی می‌رسیم، متوجه می‌شویم که این تعریف ما جایگاه و دریافت‌های انسان را ارتقاء می‌دهد. مبتنی بر آن تصمیماتی را نیز می‌گیریم. به فضل الهی این تصمیمات را در قم داریم می‌گیریم. ما چند وقت است که قصد کردیم بخش سوم سند توسعه پایدار را به چالش بکشیم و قبول نکنیم. من از آقای نمکی^{۳۷} تشکر می‌کنم؛ شنیدم در جلسه با آیت‌الله مکارم شیرازی به معاون خود اعتراض کرده بودند که این چه تعاریفی است که در بخش سلامت سند توسعه پایدار به پذیرش رسانده‌اید و چاپ کردید! در واقع خود آقای نمکی نیز به این نتیجه رسیده‌اند که این تعاریف غلط است. بنده از آیت‌الله مکارم - این مرجع بزرگوار - بخاطر ورود به بخش سلامت سند توسعه پایدار تشکر می‌کنم که زحمت کشیدند و این مساله را مطرح کردند.^{۳۸} ما تصمیم گرفتیم که این سند حاکم نباشد، این تصمیم در حوزه علمیة قم گرفته شده است. آنقدر تعاریف آن به چالش کشیده شده که خود وزیر محترم غلط بودن تعاریف حاکم بر این سند را قبول کردند و به معاون خودشان گفته‌اند که آن کتاب بایستی اصلاح شود. ما می‌توانیم این تصمیمات را ادامه دهیم و کار را جلو ببریم، کار پیچیده‌ای نیست. اگر فردی به ما اشکال کرد که به چه علت چنین تصمیمی گرفته‌اید ما تصویر و تعریف خود را نیز ارائه می‌دهیم. همچنین اگر تعریفی را ارائه می‌دهیم تصویر و تصمیم خود را نیز ارائه می‌دهیم. در تمامی حوزه‌ها و نظریات به همین صورت است.

بنابراین الگوی ساخت به صورت ساده می‌گوید سه «ت» را مدیریت کنید تا بتوانید جلوی تسلط مدرنیته را بگیرید و برای مدرنیته چالش ایجاد کنید و تحولات را در هر بخشی مدیریت کنید. زمانی که مردم تعریف شما از طب را با تعریف کتاب هاریسون^{۳۹} یا بخش سوم سند توسعه پایدار از طب مقایسه می‌کنند، تمییز ایجاد می‌شود. زمانی که تعریف شما از «دار واسعه» را با مقررات ملی ساختمان مقایسه می‌کنند، تمییز ایجاد می‌شود. باید این بحث‌ها را شروع کنیم. بنابراین این الگوی ساخت بود. قسمت دوم عریض بنده همین بود.

۳۷. دکتر سعید نمکی؛ وزیر وزارتخانه بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دولت دوازدهم جمهوری اسلامی ایران

۳۸. اخیراً کتابی به نام سلامت در سال ۲۰۱۵ منتشر شده که ظاهراً برگرفته از نوشته‌های غربی‌هاست و بسیاری از خطوط قرمز ما را در هم شکسته و پیشنهادهای نامعقولی در آن دیده می‌شود، دوستان ما آن را بررسی کرده‌اند و نقاط ضعفش را یادداشت نموده‌اند که به جنابعالی می‌دهیم تا دستور دهید مورد بررسی قرار گیرد.

آیت‌الله مکارم شیرازی در دیدار وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دکتر سعید نمکی ۱۹ بهمن ۱۳۹۷ به نقل از خبرگزاری ابنا، کد خبر: ۷۴۷۳۵۰
۳۹. کتاب اصول طب داخلی هاریسون، در زمینه بیماری‌های داخلی است و فشرده‌ای از جدیدترین یافته‌های مورد پذیرش پوزیتیویستی را در اختیار قرار می‌دهد. کتاب، به نام تینسلی هاریسون که ویراستار ارشد ۵ ویرایش اولیه کتاب بوده است نام‌گذاری شده است. این کتاب از کتب اصلی و قدیمی مورد تدریس در دانشگاه‌هاست.

۴. سؤال سوم: الگوی تفصیلی چه جایگاهی در تثبیت نظریات فقهی دارد؟

قسمت پایانی گزارش بنده به الگوی تفصیل اختصاص دارد. ما عرض کردیم به این دلیل که تمدن مدرنیته مدعی تعریف جدید، تصویر جدید و اجرا کننده تصمیمات راهبردی مبتنی بر تعاریف خود است؛ ما نیز برای تغییر نظم، باید در مقام نظام مقایسه تعریف، تصویر و تصمیم جدید خود را ارائه دهیم تا بتوانیم تحولات را مدیریت کنیم. این حکم از باب نظام مقایسه و به این دلیل است که آن‌ها تسلط دارند. چون تسلط آن‌ها به محوریت این بحث‌ها [تعریف، تصویر و تصمیم جدید] است شما نیز باید از همان حیثی که آن‌ها تسلط یافتند تسلط آن‌ها را به هم بزنید. در حال حاضر نظم اجتماعی را توسعه غربی و مدرنیته می‌نویسد و شما نمی‌توانید نقطه شروع خود را جای دیگری قرار دهید، این در فقه نظام مقایسه بحث می‌شود.

نظام مقایسه می‌گوید از همان جایی که بدعت شروع شده باید بدعت به چالش کشیده شود. «اذا ظهرت البدع فی امتی فلیظهر العالم علمه»؛^{۴۰} بدعت از کجا شروع شده است؟ از حوزه تعاریف؛ سینما و رسانه‌ها به صورت مفصل در حال تصویرسازی‌های جدید از زندگی، سبک زندگی و نقش انسان‌ها هستند. ضمناً تصمیماتی هم در برنامه‌های توسعه در مجلس گرفته می‌شود. به دلیل اینکه آن‌ها به این صورت جلو می‌روند، ما نیز باید صف‌آرایی کنیم و مقابل تعریف غلط، تعریف صحیح، مقابل تصویر غلط، تصویر صحیح و مقابل تصمیمات غلط، تصمیمات صحیح ارائه دهیم، موازنه باید برقرار گردد.

این حرف در مقام نظام مقایسه است. حالا وقتی به آیات و روایات رجوع می‌کنیم، باید ببینیم آیا انتقال درک صحیح به مخاطب نیز با چارچوب الگوی ساخت صورت می‌پذیرد؟ این یک سؤال جدید در تکمیل بحث قبلی است، طلبه باید به این موضوع نیز توجه کند.

۴/۱. لزوم انتقال محتوای تولیدشده در الگوی ساخت به قلب مخاطبین و نه ذهن آن‌ها

ما مطابق آیات و روایات، ظرف تولد درک و شعور را قلب انسان‌ها می‌دانیم. آیه قرآن به این صورت می‌فرماید: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم «وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ»؛^{۴۱} می‌گوید فردی که به خدا ایمان بیاورد قلب او هدایت می‌شود. تعبیر آیه شریف این است که قلب او هدایت پیدا می‌کند. آیه نفرمود ذهن او هدایت پیدا می‌کند. ظرف پیدایش درک و فهم، قلب انسان‌هاست نه ذهن انسان‌ها. لذا فردی که می‌خواهد جلوی پیدایش درک و تفکرات غلط را بگیرد، باید قواعدی را ارائه دهد که «تَعْصِمُ مراعات‌ها الْقَلْبَ»، نه «تَعْصِمُ مراعات‌ها الذَّهْنَ». منطق، خود را به چه صورتی تعریف می‌کند؟ می‌گوید: «آلة قانونیة تعصم مراعات‌ها الذَّهْنَ عَنِ الْخَطَا فِي الْفِكْرِ»؛^{۴۲} منطق مانع از خطای فکر در ذهن می‌شود. اگر بگوییم که محل تولد درک و فهم، ذهن نیست، بلکه قلب است؛ آیا می‌توانید با قواعد منطق صوری جلوی خطای در تفکر را بگیرید؟

۴۰. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُوهْرِ الْعَمِّيِّ يَرْفَعُهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالَمُ عِلْمَهُ فَصَّن لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.

رسول خدا ﷺ فرمود: زمانی که در اتم بدعت‌ها هویدا گشت بر عالم است که علم خویش را آشکار کند، هر که نکند لعنت خدا بر او باد.
الکافی ج ۱، ص ۵۴

۴۱. مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا يَأْذُنُ اللَّهُ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ / سورة مبارکه تغابن، آیه ۱۱ هیچ مصیبتی [به کسی] جز به مشیت خدا نمی‌رسد، هرکس به خداوند ایمان بیاورد [خدا] دلش را [به حقایق] هدایت می‌کند، خداوند به همه چیز داناست. [ترجمه حسین انصاریان]

۴۲. تعریف منطق: آلة قانونیة تعصم مراعات‌ها الذَّهْنَ عَنِ الْخَطَا فِي الْفِكْرِ.

۴/۲. الگوی تفصیل؛ متکفل بیان قواعد و چارچوب‌های جلوگیری از تولد درک غلط در قلب

سؤال بحث ما این است که آیا خطای در تفکر با قلب نسبت دارد یا خیر؟ این نیز بحث اول الگوی تفصیل است. الگوی تفصیل با این تعریفی که بنده عرض کردم، قواعد و چارچوب‌هایی است که جلوی تولد درک غلط در قلب را می‌گیرد. این بحث را در آینده بایستی به تفصیل مطرح کنیم. در حال حاضر برای اینکه جلوی درک غلط را بگیریم تمرکز را بر روی ذهن می‌گذاریم، در حالی که این حرف، حرف پخته و تامی نیست. البته ممکن است که بگوییم ذهن، جزئی از قوای قلب است، مشکلی ندارد و در آینده آن را به صورت تفصیلی بحث می‌کنیم؛ ولی به طور حتم، قلب برابر با ذهن نیست. همچنین نمی‌توانیم بگوییم که ذهن، ورودی تام قلب است و ذهن را از باب ورودی بودن برای قلب بهینه کنیم. اگر اصرار دارید از کلمه منطبق استفاده کنید، اصطلاحاً باید بگوییم ما احتیاج به یک صورت فقهی برای تفکر داریم. صورت فقهی برای تفکر چه کاری انجام می‌دهد؟ جلوی پیدایش خطا در قلب را می‌گیرد. ما باید این صورت فقهی را استنباط کرده و از آن مواظبت کنیم.

حالا بنده تنها اشاره می‌کنم؛ زمانی که مسئله قلب مطرح است، قواعد تولد درک و هدایت در قلب، از ظاهر زبان عبور پیدا می‌کند و تنها مواظبت کلامی، زبانی و صورت لفظی موضوعیت ندارد. بنده یک آیه قرآن می‌خوانم. برخی از منکرین قرآن در مقام محاجه با پیامبر ﷺ می‌گفتند: «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِي وَعَرَبِيٌّ»؛ در حال حاضر قرآن عربی است و خاصیت عربی بودن آن نیز این است که عربی مبین است و تبیین کاملاً در آن واضح است. حالا قرآن در مقام مناقشه با کافران بحث کرده و می‌گوید: «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا»؛ اگر قرآن را اعجمی می‌فرستادیم، «لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ»، آن‌ها می‌گفتند اگر آیات آن یک مقدار واضح بود، ما قبول می‌کردیم، مخالفین اینطور می‌گفتند که اگر یک مقدار روشن حرف زده بود و اعجمی نبود، ما قبول می‌کردیم. ما عرب هستیم و قرآن به زبان اعجمی نازل شده است و برای ما واضح نیست. یعنی چه واضح نیست؟ یعنی لسان و زبان آن برای ما واضح نیست. خب روایات ذیل این بحث را ببینید؛ کسانی که منکر بودند اینطور می‌گفتند که زبان ما عربی است و قرآن برای ما غیرعربی نازل شده است و ما آن را نمی‌فهمیم؛ یعنی لسان، لسان روشنی نیست. «أَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ»؛ ما عربیم و زبانی که می‌خواهد ما را هدایت کند اعجمی و غیرعربی است و اینطور نمی‌شود، مخالفین اینطور می‌گفتند.

قرآن در جواب می‌گوید: «قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءً وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ»؛ به آنها بگو شرط فهم و هدایت، ایمان است؛ یعنی این آیه بحث را از زبان تعمیم می‌دهد و می‌گوید «وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ»، گوش‌هایشان سنگین است و استماعشان دچار مشکل است؛ نه به دلیل زبان، بلکه به دلیل عدم ایمان. این آیه ایمان را شرط در فهم قرار می‌دهد و بحث را فراتر می‌برد. البته لسان قرآن نیز عربی مبین است و من نمی‌خواهم نقش لسان را حذف کنم، بلکه می‌خواهم بگویم غیر از شرایطی که مطابق با لسان و الفاظ است، شرایطی مانند ایمان نیز اخذ شده است، شرایطی مانند حسن الاستماع نیز اخذ شده است.

در یک آیه دیگری می‌فرماید: «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا»؛^{۴۳} محل مناقشه کجاست؟ محل مناقشه این است که فرشتگان وقتی می‌خواهند یک مستضعف را قبض روح کنند به او می‌گویند چرا انسان خوبی نبودی؟ آن‌ها می‌گویند ما

۴۳. إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا / نساء، ۹۷

کسانی که بر خویشتن ستمکار بوده‌اند، [وقتی] فرشتگان جانشان را می‌گیرند، می‌گویند: «در چه [حال] بودید؟» پاسخ می‌دهند: «ما در زمین از مستضعفان بودیم.» می‌گویند: «مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟» پس آنان جایگاهشان دوزخ است، و [دوزخ] بد سرانجامی است.

مستضعف بودیم، در فضای تسلط کفر بودیم که نتوانستیم هدایت پیدا کنیم و قلبمان دچار آلودگی‌ها شد. قرآن می‌فرماید: «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا»؛ آیا ارض خدا واسع نبود؟ از زیر بلیط آن کافر خارج می‌شدید و در جای دیگری می‌کردید. این آیه، تأثیر نظم اجتماعی بر درک را بحث می‌کند و می‌گوید: اگر شما مهاجرت می‌کردید، می‌توانستید در فضای هدایت زندگی کنید و گرفتار این آلودگی‌ها نمی‌شدید. بحث‌های دیگری نیز وجود دارد، مانند نیت؛ اگر نیت انسان غلط شود درک غلط پیدا می‌کند؛ یعنی ولو اینکه صور شکل اول^{۴۴} را رعایت کرده باشد، خطای تفکر برای او ایجاد می‌شود.

عرض ما در الگوی تفصیل این است که الگوی تفصیل، شرایط تولد درک در قلب و فطرت‌ها را بحث می‌کند، اصلاً قائل است که تولد درک در قلوب و فطرت‌ها اتفاق می‌افتد و نه در اذهان. حالا ان‌شاءالله این را باید بعداً تفصیلاً بحث کنیم. پس باید دقت کنیم که ایجاد نظم به این معنا نیست که فقط باید تعریف، تصویر و تصمیم بگیریم؛ بلکه در مقام ارائه بحث با مخالفین و در مقام نظام مقایسه با جریان توسعه‌گرا الگوی ساخت را مبنای مقایسه قرار می‌دهیم؛ ولی حواسمان هست که حتی اگر دار توسعه را تعریف کنیم و از آن تصویر ارائه بدهیم و تصمیم هم بگیریم، با این وجود باید این درک را به قلوب مخاطبین خود منتقل کنیم. بهینه کردن یک درک در قلوب مخاطبین و ایجاد یک درک در قلوب مخاطبین نیز صور فقهی دارد.

لذا سبب اینکه ما گاهی وقت‌ها انتقاد می‌کنیم - بعضی از عزیزان و بزرگوارانی که ما را دوست دارند، ما را نوازش می‌کنند و به ما اعتراض می‌کنند - و می‌گوییم منطق صوری ضد تفاهم است، به دلیل این است که پیش‌فرض منطق صوری، تولد فکر در قلب نیست؛ بلکه پیش‌فرض آن تولد فکر در ذهن است و این نگاه، تعاریف انبیاء عليهم‌السلام را تنزل داده است.

لذا الگوی تفصیل در واقع چیزی به جای منطق است. حالا در اینجا مناقشه فراوان است و اجازه بدهید ورود پیدا نکنیم؛ مثلاً آیا الگوی تفصیل، شکل اول بعلاوه قیودی دیگر است؟ بعضی می‌خواهند بگویند همین است، شکل اول بعلاوه بعضی قیود دیگر. اگر اجازه بحث بدهند و فضای آزاداندیشی کمک کند، ما فکر می‌کنیم که اصلاً بر انتاج، شکل اول حاکم نیست. ان‌شاءالله بعداً در دوره‌های تفصیلی الگوی تفصیل، این بحث را مطرح می‌کنیم.

۴۴. قیاس چنانکه گفته آمد مؤلف از مقدمات بود- و مقدمه هر قضیه باشد که جزوی از قیاسی بود- و نتیجه هر قضیه باشد که لازم قیاسی بود- و این تعریف‌ها رسمی است- و مقدمه را مقدمه از بهر آن گویند- که بطبع بر نتیجه متقدم بود- و هر قرینه که قیاس بود آن را منتج خوانند- و آنچه قیاس نبود آن را عقیم خوانند- و اجزاء مقدمه و نتیجه را- که محکوم علیه و محکوم به باشند- در هر یکی حدود خوانند- بحکم مشابهت به ارکان نسبت در کمیات- که اهل علم ریاضی آن را هم حدود خوانند- و اسم حد بر این اجزاء و بر ارکان نسبت بطریق تشابه بود- بر هر یکی از این دو نوع- و بر حدی که قول شارح بود باشتراك- پس اگر مقدمه یا نتیجه حملی بود حدود مفردات بود- و آن موضوع و محمول باشد- و اگر شرطی بود حدود قضایا باشد و آن مقدم و تالی بود- و در اقترانیات که نتیجه یا نقیضش مذکور بالفعل نیست- لا محاله مذکور بالقوه باشد- یعنی اجزاء او در قیاس مذکور بود- چنانکه انسان و جسم در این قیاس که گوئیم- هر انسانی حیوانست و هر حیوانی جسم- و الا نتیجه از قیاس اجنبی باشد- و لزومش قیاس را بشرايط مذکور ممکن نبود- و چون نتیجه لازم هر دو مقدمه است- او را با هر یکی نسبتی باشد- پس هر یکی از حدود او در یکی از دو مقدمه مذکور باشد- و آن مقدمه را که موضوع نتیجه در وی افتد- مقدمه صغری خوانند و موضوع نتیجه را حد اصغر- و آن مقدمه را که محمول نتیجه در وی می‌افتد- مقدمه کبری خوانند و محمول نتیجه را حد اکبر- و لا محاله میان هر دو مقدمه هم- مناسبتی باید باشتراك اجزاء- چه از قضایای اجنبی انتاج صورت نبندد- پس دو حد باقی را از دو مقدمه- که بمعنی یکی بود و در نتیجه ساقط باشد حد اوسط خوانند- مثال حد اصغر در قیاس مذکور انسان و مثال حد اوسط- حیوان و مثال حد اکبر جسم- و حد اوسط علت تالیف قیاس بود- و رساننده دو حد باقی به یکدیگر که انتاج عبارت از آنست- و هیات وقوع او را در دو مقدمه با دو حد دیگر شکل خوانند- و آن از چهار نوع خالی نبود- یا در مقدمه صغری محمول بود و در مقدمه کبری موضوع- چنانکه در قیاس مذکور افتاده است- و آن را شکل اول خوانند-

این عرایض بنده بود، بحث را جمع‌بندی کنم: ما وقتی می‌خواهیم به مقابله با نظم غلط و تفکر سیستمی مدرنیته برویم، باید بر اساس الگوی ساخت عمل کنیم و الگوی ساخت نیز در واقع روش مواجهه تعاریف فقهی با تعاریف پوزیتیویستی، تصویرهای فقهی با تصویرهای پوزیتیویستی و تصمیمات فقهی با تصمیمات پوزیتیویستی را تفصیلاً بحث می‌کند. ان‌شاء‌الله بر اساس این الگو می‌توان مواجهه بهتری را رقم زد.

من مجدداً در عرایضم بر روی سؤال اول تأکید می‌کنم: هر درکی که از نحوه تسلط تفکر مدرنیته در ذهن ما ایجاد می‌شود، مبنای مواجهه ما با تمدن غلط مدرنیته و نظریات توسعه غربی است؛ اگر تسلط مدرنیته را جبر دانستیم، به قعود کشیده می‌شویم. اگر جزء سنت دانستیم، نحوه تحقق سنت الهی بر کفار را استظهار و بحث می‌کنیم و خودمان نیز نحوه مواجهه با تفکر غلط را صف‌آرایی می‌کنیم. این سؤال، مبنای نظام مقایسه ماست و نباید این سؤال را دست‌کم بگیریم.

من در خاتمه عرایضم یک جمله‌ای را عرض کنم: بنده فکر می‌کنم نقشه الگوی پیشرفت اسلامی - که امروز اجمالاً بحث الگوی ساخت آن را مطرح کردم - تکامل یافته ادبیات و گفتمان انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی یک معجزه بوده که اتفاق افتاده و امام عظیم‌الشان این انقلاب را ایجاد کردند و آیت‌الله خامنه‌ای مجاهد و فقیه و بزرگوار نیز کار را جلو می‌برند. یک تحلیلی بر فضای انقلاب اسلامی حاکم بوده است و ما در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی نسبت به این تحلیل تکامل یافته دو کار را انجام داده‌ایم: یکی اینکه تکامل تدوینی نسبت به این تفکر ایجاد کرده‌ایم و این مباحث را ذیل بعضی از نظریات مانند جهت حرکت انقلاب اسلامی و بعضی نظریات دیگر بحث کردیم. یک کار دیگر هم اینکه فکر می‌کنیم یک شرح و تکامل خوبی را نسبت به ادبیات و گفتمان انقلاب اسلامی ارائه داده‌ایم. این حرف آخر بنده است، ما نظام‌سازی را باید از ادبیات انقلاب تفصیلی‌تر بحث کنیم، این نکته‌ای است که من مایلیم با صراحت آن را بیان کنم؛ ما در تکامل نظام‌سازی، نیاز به تکامل ادبیات داریم و تکامل ادبیات به این دو شکلی که عرض کردم در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی تصویر شده است. و الحمدلله رب العالمین

من در خدمت آقایان هستم، فقط بنا بر قاعده مکث^{۴۵} - جلساتی ما بر اساس الگوی خومان اداره می‌شود - آقایان فقط یک سؤال فنی پرسند تا بتوانیم دقیق به آن بپردازیم. واقعیت این است که وقتی دو سؤال می‌پرسیم، یکی از سؤال‌ها جواب دقیقی پیدا نمی‌کند و این خلاف بحث علمی است. ماه مبارک رمضان است و اذیت شدید، عذرخواهی می‌کنم. خداوند ان‌شاء‌الله به همه ما کمک کند تا به سمت عصر ظهور حرکت کنیم. «وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ»؛^{۴۶} امید نداشتن به اینکه ظهور اتفاق نمی‌افتد کفر است. من فکر می‌کنم اگر امیدمان را افزایش دهیم و یأس را از خودمان دور کنیم، ان‌شاء‌الله به زودی زود امام در بین ما حضور پیدا می‌کند.

۴۵. یکی دیگر از ابواب فقه‌البیان، بیان مبتنی بر مکث است. «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم وَ قُرْآنًا فَرَقْنَا لِتَفْرَأَهُ عَلَيِ النَّاسِ عَلَيِ مُكْثٍ»؛ ما قرآن را آیه نازل کردیم تا پیامبر در مقام قرائت، قرآن را با مکث قرائت کند. البته «وَ نَزَّلْنَا تَنْزِيلًا»؛ نزول آن نیز تدریجی بوده است، هم نزول تدریجی و هم آیه آیه بودن، حکمت هر دو به قرائت همراه با مکث باز می‌گردد... در روایت دارد بر جهل شما همین بس که هر آنچه را می‌دانید بگوئید. چرا این علامت جهل است؟ چون گفتنی که پشت سر هم هست، گفتنی که خارج از ظرفیت است تأمل ایجاد نمی‌کند و اگر قصد شما این است که حرف‌ها به پذیرش برسند باید به نحوی بیان کنید که زمینه تأمل باقی باشد.

جلسه هفتم دوره اول فقه‌البیان (مدرسه چهارباغ اصفهان - ۷ مهر ۱۳۹۶)

۴۶. سوره مبارکه یوسف عَلَيْهِ السَّلَام؛ آیه ۸۷

پرسش و پاسخ:

یکی از حاضرین (۱): بسم الله الرحمن الرحيم. فرآیند مراحل انقلاب اسلامی - که حضرت آقا آن را فرمودند و حالا در مرحله سوم و چهارم هستیم - کجای این بحثی که شما فرمودید قرار دارد؟ آیا تمام این بحث است یا اینکه یک جزئی از بحث است؟ اگر جزء است، کجای بحث است و در فرمایش شما چگونه می شود به این موضوع پرداخت؟

حجت الاسلام کشوری: آقا انقلاب را به ۵ مرحله تعریف می کنند و می گویند ما در مرحله دولت اسلامی هستیم و در مباحثاتشان می فرمایند دولت اسلامی بدون الگوی پیشرفت نمی شود.^{۴۷} بحث های ما هم می شود الگوی پیشرفت اسلامی. الگوی پیشرفت اسلامی تصویرکننده تفصیلی دولت سازی است، زاویه دید انقلاب اینجا بحث شده است.

یکی از حاضرین (۱): یعنی دولت اسلامی زمانی محقق می شود که ما الگو را داشته باشیم و به اجرا ارائه بدهیم؟

حجت الاسلام کشوری: یعنی اگر کسانی که مدعی دولت اسلامی هستند از الگو درک نداشته باشند به اسم انقلاب تئوری های توسعه را باز تعریف می کنند.

جناب آقای محمد فعال: تعریف، تصویر و تصمیم که فرمودید، همان الگوی حفظ جهت، الگوی استخراج سؤال و الگوی پردازش اجتماعی است یا تفاوت می کند؟

حجت الاسلام کشوری: خیر دو الگو است، منتها در بحث الگوی حفظ جهت، الگوی استخراج سؤال و الگوی پردازش، تفصیل این بحث را مطرح کرده ایم. شما می پرسید تعریف را چگونه تولید کنیم؟ پاسخ این است که با الگوی حفظ جهت، یعنی سؤال کاملاً متفاوت می شود؛ در بخش اول الگوی ساخت می گوئید مقابله با مدرنیته را از کجا شروع کنیم و به چه دلیل؟ می گوئیم از تعریف شروع کنید به دلیل نظام مقایسه؛ استظهار مطلب، نظام مقایسه است، «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَعَلَى الْعَالَمِ أَنْ يَظْهَرَ عَلِمَةٌ»؛ زمانی که بدعت ظهور یافت، عالم نیز باید علم خود را ظهور دهد؛ ظهور علم در مقابل ظهور بدعت. این نظام مقایسه است و پیامبر دستور به نظام مقایسه داده اند. او بدعت خود را ظهور داده است و شمای عالم نیز باید علم خود را ظهور دهید و به دلیل این روایت، بافت علمی که عالم ارائه می کند باید بتواند بافت بدعت را پوشش دهد. ما نیز استدلال کردیم که بافت مدرنیته مبتنی بر سه چیز است، پس بافت نظام سازی نیز مبتنی بر سه چیز باید ارائه شود.

۴۷. رهبر انقلاب، مرحله سوم را که اکنون در آن قرار داریم، «تشکیل دولت اسلامی» یعنی تشکیل دولتی براساس الگوها و معیارهای کاملاً اسلامی خواندند و افزودند: تا وقتی این مرحله به طور کامل محقق نشده است، نوبت به «تشکیل جامعه اسلامی» نمی رسد و در این صورت، موضوع سبک زندگی اسلامی نیز صرفاً در سطح گفتمان سازی در جامعه باقی خواهد ماند.

ایشان، گام نهایی در مراحل پنج گانه اهداف انقلاب اسلامی را تحقق «تمدن اسلامی» دانستند و خاطر نشان کردند: تمدن اسلامی، کشورگشایی نیست بلکه به معنای تأثیر پذیرفتن فکری ملت ها از اسلام است. حضرت آیت الله خامنه ای تولید الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی را لازمه تحقق «تمدن اسلامی» خواندند و در پاسخ به این سؤال که «چرا الگوهای موجود و آموخته شده در دنیا نمی توانند الگوی مطلوبی برای ما باشند؟»، گفتند: الگوهای رایج توسعه، از لحاظ مبانی، غلط و بر پایه ای اومانیسیم و اصول غیر الهی هستند و از لحاظ آثار و نتایج نیز نتوانسته اند وعده هایی را که درخصوص ارزش های نظیر «آزادی» و «عدالت» داده بودند، محقق کنند.

آدرس مطلب در وبسایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=32895>

حالا شما یک سؤال جلوتر رفتید و می‌گویید اجزای درونی یک تعریف فقهی چیست؟ پاسخ این است که اجزای درونی آن الگوی حفظ جهت است، الگوی حفظ جهت نیز سه چیز است: جهت، جهت‌ساز و ترجمه جهت به جهت یا ترجمه جهت‌ساز به جهت؛^{۴۸} شما دارید بافت تعریف را بحث می‌کنید، درون تعریف را بحث می‌کنید، یا به اصطلاح نارساتر تعریف تعریف را بحث می‌کنید.

همینطور شما می‌گویید باید تصویر بسازیم، یعنی نقش انسان را در آن تعریف بحث کنیم. حال سؤال می‌کنید چگونه تصویر بسازیم؟ پاسخ این است که با الگوی استخراج سؤال؛ یعنی در الگوی استخراج سؤال نحوه تصویرسازی را بحث می‌کنید. در گام سوم می‌گویید باید تصمیم بگیریم و سؤال می‌کنید که بافت تصمیم چگونه است؟ می‌گوییم با الگوی پردازش اجتماعی. سؤال ایشان، تکمیل الگوی ساخت است، یعنی چگونگی تولید تعریف، تصویر و تصمیم را بحث می‌کنند؛ ولی بحث ما فعلاً این است که بپذیریم باید به مواجهه با این سه بخش در تمدن مدرنیته برویم.

حجت‌الاسلام حیدری (از اعضای معاونت پژوهش حوزه علمیه مروی): بسم الله الرحمن الرحیم، بنده در خصوص مباحثی که فلاسفه داشته‌اند و اینکه فلسفه نتوانست امتداد اجتماعی خود را در مدیریت تحولات نشان بدهد باید بگویم قبل از این بحث باید خود مدرنیته را بررسی کنیم. در زمینه اینکه مدرنیته چطور شکل گرفت؛ مباحثی که جنابعالی در مورد تعریف، تصویرسازی و تصمیم‌گیری بیان کردید درست است؛ اما در بخش تعریف فکر می‌کنم مدرنیته نه تنها تعریف حیات و فقر و سلامت و ... را تغییر داد، بلکه فراتر و قبل‌تر از آن باید ببینیم نگاه مدرنیته به انسان، جهان، خدا و تاریخ چه نگاهی بوده است. این بحث به مبانی بازمی‌گردد و مدرنیته بر اساس این مبانی شکل گرفته است. چند صدسال به عقب برگردیم؛ در فلسفه و کلام غرب چه اتفاقی افتاد؟ نگرش به انسان و جهان به صورت بنیادین عوض شد، ارتباط انسان با ماوراء الطبیعة قطع شد و انسان یک حیوان پیشرفته‌تر شد. طبعاً نگرش به جامعه عوض شد و تمام نظامات اجتماعی نیز مبتنی بر همین نگاه چیده شدند. اگر ما بخواهیم این نگرش را عوض کنیم، طبیعتاً باید تصویر درست و دقیقی از انسان و جهان و ارتباط انسان با خدا و جامعه بر اساس روایات داشته باشیم. آیا اگر به شکلی که شما بیان کردید جلو برویم، کوشش‌های فلاسفه در این زمینه به هدر نمی‌رود؟ به هر حال تمام سعی فلاسفه بر این بوده است که نگاه ما به چهار عنصر انسان، خدا، جهان و تاریخ عوض شود. بر اساس این نگاه نیز سایر نظامات، قابل تعریف و بازتعریف هستند. من فکر کنم ممکن است این تلقی در ذهن‌های عزیز پیش بیاید که فلسفه گشک است و نتوانسته است امتداد خود را در اجتماع و به خصوص در این انقلاب اسلامی بعد از ۴۰ نشان دهد و نظامات اجتماعی را بنیان بنهد. پس آن را کنار بگذاریم و از این به بعد ما هستیم و کتاب و سنت. کتاب و سنت را جلوی خودمان می‌گیریم و می‌گوییم آنچه که ما می‌فهمیم و استظهار می‌کنیم مهم است. پس درد فلاسفه چه بود؟ عقل نظری چیست؟ آیا فهم ظاهری از قرآن درست و حجت است؟ این خودش قابل بحث است، بحث‌های دامنه‌داری است و ما نباید غفلت کنیم. یا کلاً قائل به این بحث‌ها نیستیم، خوب اگر اینطور است باید مشخص شود. یا اینکه اینها را در جای خودشان قبول داریم، ولی باید کاری کنیم که اینها از حوزه مبانی اشراق شده و در سطح جامعه بیایند و تصمیم‌سازی و نظام‌سازی شود. من خودم به عنوان نمونه شاهد یک مورد بودم؛ یکی از اساتید دانشگاه - که در دولت قبل در سازمان پژوهش و

۴۸. برای مطالعه در مورد الگوی حفظ جهت، الگوی استخراج سؤال و الگوی پردازش اجتماعی به جلد سوم دوره چهارجلدی برنامه‌ریزی از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی مراجعه فرمایید.

برنامه‌ریزی درسی هم حضور داشت و ما خدمتشان رسیدیم - کتابی نوشته است به نام مبانی تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای فلسفه صدرایی. در آنجا تصویر کرده است که نگاه مدرنیته به انسان و جهان و جامعه چیست، بعد از آن توضیح می‌دهد نگاه فلسفه صدرایی به انسان و جهان چیست و قواعد تعلیم و تربیت بر اساس فلسفه صدرایی چیست؛ یعنی این اتفاق یک گام افتاده است، هرچند که پوشش داده نشد. فلاسفه و اندیشمندان فلسفی ما می‌توانستند همین را به عنوان یک مدل و الگو جلو ببرند و به سایر حوزه‌ها توسعه بدهند. این‌ها هست ولی ممکن است بگوییم ناقص است، اشکالی ندارد ولی این اتفاق رخ داده و یک نفر جسارت به خرج داده است. عرض همین بود که این بخش‌ها باید مشخص شود و معلوم گردد تکلیف ما با فلسفه چیست.

حجت‌الاسلام کشوری: جنابعالی وارد بحث پرمناقشه‌ای شدید و من برای اینکه به جنابعالی احترام بگذارم طرح مسئله می‌کنم و به بحث‌های تفصیلی ارجاع می‌دهم. شما لااقل ۵ دسته بحث را مطرح کردید؛ یک بحث شما این بود که فرمودید تلاش فلاسفه در بخش تعریف، تلاش موفقی بوده است و شاهد شما نیز این است که جهان‌بینی جدیدی ارائه شده است، معرفت‌شناسی جدیدی ارائه شده است، انسان‌شناسی جدیدی ارائه شده است؛ یعنی حوزه تعاریف پایه را شاهدهی بر موفقیت فلاسفه آوردید. درحالی که تعاریف لااقل در یک تقسیم ساده به دو دسته تقسیم می‌شوند که یک دسته از آنها، تعاریف کاربردی هستند. در چهار دهه گذشته می‌توانیم بگوییم که فلسفه ما وارد حوزه تعاریف کاربردی نشده است. تعاریف کاربردی به همین معنایی که عرض کردم: حوزه آموزش حوزه طب، حوزه قضا و هر حوزه‌ای که نام آن امتداد اجتماعی است. بله؛ اگر محل مناقشه، تعاریف بنیادین بود آن موقع به اصل تعاریف فلاسفه اشکال می‌کردیم و می‌گفتیم که تعریف، تعریف پخته‌ای نیست و بحث‌های دیگری را در آنجا مطرح می‌کردیم؛ ولی آنها را متهم نمی‌کردیم به اینکه به حوزه تعاریف ورود پیدا نکردند. چه موقع این حرف را می‌زدیم؟ اگر می‌گفتیم تعریف، فقط تعریف بنیادین است. درست است که نگاه به ماورا، نگاه به انسان، نگاه به معرفت و نگاه به جهان همه در مدرنیته تغییر پیدا کرده است؛ ولی صحبت در این است که این نگاه‌های پایه - به تصویر و تعریفی که شما ارائه می‌دهید - به صدها حوزه بخشی تبدیل شده است: مثل حوزه مدیریت، اقتصاد، مسکن؛ از نگاه جهان‌بینی غرب؛ نگاه مسکن، نگاه قضا و قضاوت و پیام و سیاست و همه اینها متولد شده است. پس اگر بگوییم تعاریف دو دسته هستند، فلاسفه موفق نبودند. و خود اینکه شما یک مثال می‌آوردید، اتفاقاً نتیجه شکست این فعالیت‌ها هست؛ یک مثال است دیگر، جریان غالب که نیست. تازه اگر در آن مثال مناقشه نکنیم. الان به جای اسفار اربعه^{۴۹} - که سعی دارد نگاه انسان را در چهار بخش تغییر دهد - باید حداقل ۴۰ سفر را تعریف می‌کردیم، مثلاً سفر به حوزه طب چگونه است؟ انسان در حوزه سلامت چگونه باید بحث کند؟ باید فرایند قوه به فعل را در اینجا بر مبنای «وجود» بحث می‌کردیم. خب این اتفاقات نیفتاده است و این عرض بنده نیست، آیت الله جوادی آملی می‌گویند: اساساً بخش نظری فلسفه صدرایی متکفل امتداد اجتماعی نیست؛ اصلاً ایشان منکر می‌شوند و می‌گویند بخش حکمت عملی آن، متکفل این بحث است. فقهای مثل آیت الله امام خامنه‌ای نیز همین بحث را از فلاسفه مطالبه می‌کنند. این هم نکته دوم است.

۴۹. اسفار اربعه یا سفرهای چهارگانه بنا بر آثار و تعلیمات عارفان «مراحل عملی» برای «رسیدن به خدا» است؛ سفر اول: سفر من الخلق الی الحق؛ مسافرت از مردم تا خدا - سفر دوم: سفر بالحق فی الحق؛ مسافرت با خدا درباره خدا - سفر سوم: سفر من الحق الی الخلق بالحق؛ مسافرت از خدا تا مردم با خدا - سفر چهارم: سفر فی الخلق بالحق؛ مسافرت در میان مردم با خدا.

نکته سومی که جنابعالی فرمودید را به مباحثات فقه البیان ارجاع می‌دهم. نقش عقل چیست؟ آیا عقل منبع مستقل است؟ یا کاوشگرِ امین است؟ به بخشی از آن نیز در الگوی تفصیل اشاره کردم. شما باید یک سؤال بنیادین را از ملاصدرا، صاحب فصوص^{۵۰} و آقایانی که در حوزه فلسفه ورود می‌کنند بپرسید: «اگر شما ظرف تولد درک را قلب می‌دانید شرایط حاکم بر تولد درک صحیح در قلب چیست؟» این سؤال درست است یا غلط؟ این سؤال‌ها را در فقه البیان و فقه العلم تفصیلی‌تر مطرح می‌کنیم.

پس بنابراین به این بسنده می‌کنم که اولاً تعاریفی که جنابعالی ادعا فرمودید، در حوزه تعاریف بنیادین است، نه در حوزه تعاریف کاربردی، در حالی که منظور از امتداد اجتماعی تعاریف کاربردی است. ثانیاً این ادعا به نحو عموم در چهل سال گذشته اتفاق نیفتاده است، ۴ دهه فرصت کمی برای تحول نبوده است، حق بدهید عده‌ای تصور کنند که مبانی قابل امتداد نیست. البته مرحوم آقای سید منیر مثلاً اصالت ذات شامل اصالت ماهیت و وجود - را نقد می‌کنند، بعد از آن اصالت ربط - تقوّم ذات به ربط - را نیز نقد می‌کنند، مبنای تعلق را نیز نقد می‌کنند و یک مبنایی به نام اصالت فاعلیت را مطرح می‌کنند. سپس اصالت فاعلیت را با یک مدلی امتداد اجتماعی می‌دهند. من نمی‌خواهم بگویم هیچ فلسفه‌ای امتداد اجتماعی پیدا نکرده است، بلکه می‌گویم فلسفه صدرایی اگر وجود را مبنا قرار دهد، نمی‌تواند ربط را تحلیل کند، نمی‌تواند کثرت را تحلیل کند، این‌ها بحث‌هایی است که سر جای خودش باید بحث کنیم. تازه ما به مرحوم آقای سید منیر اشکال کرده‌ایم که نحوه امتداد اجتماعی شما پوشش‌دهنده فطرت نیست، یعنی در آنجا نیز مناقشه می‌کنیم. منتها فعلاً با فلسفه صدرایی این بحث را نداریم، چون اصل آن مشکوک است؛ تعاریف کاربردی، حوزه‌های مختلف دارد و فقط حوزه تربیت نیست؛ اگر منطق آن تولید شده بود، اگر منطق فلسفه‌های مضاف تولید شده بود، الان باید گروه‌هایی در قم مشغول بودند که داشتند فلسفه‌های بخشی و فلسفه‌های مضاف را تولید می‌کردند. خوب این اتفاق نیفتاده است و این فقط گزارش بنده نیست، از کارهای پراکنده‌ای هم که در زمینه اجتماعی هست خبر داریم، ولی به هر حال این اتفاق نیفتاده است. حالا یا قول آیت الله جوادی آملی را بپذیرید که اساساً حکمت نظری فلسفه صدرایی قابلیت امداد اجتماعی ندارد، یا قول آیت الله خامنه‌ای را عملیاتی کنید که تقاضای امتداد اجتماعی فلسفه را کرده‌اند. این‌ها بحث‌های جدی است و من هم با شما موافقم که بحث‌های عمیقی هستند. به هر حال اگر قول آیت الله خامنه‌ای را بپذیریم، باید از آینده فلسفه به ما یک تصویر ارائه بدهید و بگوئید امتداد اجتماعی از نظر ما مثلاً فلسفه‌های مضاف است و ده مورد از فلسفه‌های مضاف نیز در حال تولید بوده و به سرانجام می‌رسند.

حالا مناقشه‌های زیادی می‌توان کرد، مثلاً بر مبنای الگوی ساخت می‌توان مناقشه کرد که بخش تصویرسازی همین بخش تعلیم و تربیتی که شما می‌گویید کجاست؟ این را هم باید خود منطق شما تولید کند. مگر شما نمی‌گویید یک کتاب تولید شده است؟ خوب چرا این کتاب شما با مخالفت عده‌ای در گوشه کتابخانه مانده است؟ آن کسی که امتداد اجتماعی را تعریف می‌کند باید قدرت مدیریت موانع امتداد اجتماعی را هم داشته باشد. پس پیداست همانجایی که کتاب تولید شده و نتوانسته به جامعه برود، به علت نقص محتوایی همان کتاب است. چون طبق تعریفی که من عرض کردم آن موقعی تعریف شما وارد جامعه می‌شود که نقش انسان در آن تعریف را به عنوان یک سرفصل جدید بحث کنید، نه اینکه خود تعریف را ارائه بدهید؛ اگر فقط تعریف را ارائه بدهید در کتابخانه می‌ماند.

۵۰. کتاب فُصوص یا فُصوص الحکم اثر ابن عربی از کتب مشهور تصوف و عرفان نظری است. فُصوص جمع واژه «فَص» به معنای نگین است و فصوص الحکم نگین‌های حکمت معنا می‌دهد.

این اصل بحث است، ولی اصل مناقشه شما را مبارک می‌دانم. یک وقتی باید در دوره‌های تفصیلی بحث کنیم، البته این اشکالی که کردیم انصافاً اشکال خیلی روشنی است: یا بگویند امتداد اجتماعی را نمی‌خواهیم، یا اگر می‌خواهید تصویری به ما بدهید که می‌خواهید چه کار کنید. انسان وقتی بدایه یا نهایی را می‌خواند متوجه نمی‌شود که امتداد اجتماعی چیست، وقتی منطق صوری می‌خوانید صور امتداد را به شما ارائه نمی‌دهد، بلکه صور اندراج صغرا در کبرا را بحث می‌کند تا تطابق واقع شود و صدق قضیه محقق شود، این‌ها را بحث می‌کنند. اصل سؤال امتداد اجتماعی را نگه دارید تا بحث‌ها خیلی واضح شوند.

حجت‌الاسلام حیدری (از اعضای معاونت پژوهش حوزه علمیه مروی): باید به فوایدی که خود آیت الله جوادی آملی برای فلسفه بیان می‌کنند توجه کنیم، مثلاً اگر فلسفه نداشتیم خود فقها بگویند چگونه با حجم انبوهی از شبهات که در این جهان جوان‌های ما را محاصره کرده است برخورد می‌کردیم؟ اساساً اگر قبل از شکل‌گیری انقلاب اسلامی، در آن ۱۵ سالی که شبهات مارکسیست‌ها و سایر مکاتب فلسفی که به دانشگاه‌های ما هجوم آورده بودند، اگر این شبهات پاسخ داده نمی‌شد، معلوم نبود که انقلاب اسلامی به این زودی‌ها شکل بگیرد. سهم مبارزات فکری-فلسفی علما در مبارزه با شبهات و مکاتب التقاطی را باید مشخص کنیم. یک بخش از تحقق درک در قلب، رابطه بین حواس ما و قلب ماست. بحث ادراکات عقلی و اینها چه می‌شود؟ جایگاه معتقدات و باورهای ذهنی ما در درجه اول ذهن است دیگر.

حجت‌الاسلام کشوری: این بحث‌ها را بگذارید برای زمانی که تفصیلی بحث می‌کنیم، ولی تصادفاً با شما همراه هستم که تا زمانی که فقه به کاشفیت از معزز و منجز تعریف شود قدرت تقابل با شبهات را ندارد. به نظر من اگر تلاش می‌کردیم تعریف فقه ارتقا پیدا کند، قدرتی پیش از فلسفه صدرایی برای مواجهه با شبهات در اختیار شیعه قرار می‌گرفت. من هم با شما همراه هستم که فقها به دلیل محدود کردن تفقه به کشف معزز و منجز نمی‌توانند مقابل شبهاتی که اتفاق می‌افتد صف‌آرایی کنند؛ ولی این اتفاق به دلیل تعریف ناقص از فقه است، اگر ما تعریف را ارتقا بدهیم حتماً می‌توانیم تحریک فکر تفصل‌یافته‌تری را ارائه دهیم. در دفاع از فلسفه، مجموعه‌ای از گزاره‌های درست و غلط ترکیب می‌شوند و همانطور که عرض کردم حوصله می‌خواهد. مناقشه ما با دوستان عزیز صدرایی و سایر مکاتب فلسفی نیز از نوع مناقشات مکتب تفکیک نیست که بخواهیم تکفیر کنیم، البته بعضی از دوستان مکتب تفکیک این کار را می‌کنند. اتفاقاً مناقشه ما در همان مبنایی است که فلسفه در آنجا از خودش دفاع می‌کند؛ فلسفه می‌گوید من قدرت پاسخگویی به شبهات را دارم، ولی ما می‌گوییم در فقه هدایت قوی‌تر پاسخ می‌دهیم، قوی‌تر صف‌آرایی می‌کنیم. دعوا این نیست که فکر باشد یا نباشد، بلکه دعوا بر سر این است که از فکر با صور ضعیف منطق صوری دفاع کنیم یا یک صور ارتقا یافته بدهیم؟ اتفاقاً دعوی ما علی‌المبنای فلسفه است و شما اگر یک مقدار حوصله به خرج بدهید می‌بینید من هم بحث فلسفی می‌کنم. البته من ناراحت نمی‌شوم که به من تهمت زده شود که فیلسوف هستم، ولی خوب بحث فکری است؛ مثلاً اگر من توانستم یک صور تحریک‌کننده با قوام‌تر از صور تحریک فکر موجود در فلسفه و منطق ارائه کنم، آن موقع شما باید بگویید فکر دارد تکامل پیدا می‌کند و نباید جلوی بحث‌های از این قبیل را بگیرید. شاید ما باید بیانمان را آرام‌تر کنیم، البته من واقعاً آرام صحبت می‌کنم و در مقام مباحثات علمی کاملاً آرام بحث کرده و از ابزارهای غیر استدلالی استفاده نمی‌کنم. نکته‌ای که محل بحث است این است که نوع مناقشات ما با مناقشات دیگران متفاوت است.

به برکت سؤال جنابعالی من این بحث را جمع کنم؛ دو سؤال مطرح است: یکی اینکه امتداد اجتماعی فلسفه کجاست؟ لطف کنید این را بگویید، چون همه ما امتداد اجتماعی را پذیرفته‌ایم و هرکس اصل امتداد اجتماعی را نپذیرد انقلاب اسلامی را به چالش کشیده است؛ چون انقلاب اسلامی یعنی امتداد اجتماعی تفکر اسلامی، این معنای حرکتی است که امام خمینی علیه السلام در

دستور کار خود قرار دادند. فلسفه نمی‌تواند امتداد اجتماعی را انکار کند، پس باید تصویری از امتداد اجتماعی ارائه کند. نکته دوم این است که شما می‌گویید فلسفه، قدرت تحریک فکر و قدرت پاسخگویی به شبهات را دارد و فقه موجود این قدرت را ندارد، پس ما باید به طلبه‌ها بگوییم که فلسفه بخوانند. اما دعوت ما چیز دیگری است؛ ما می‌گوییم تعریف فقه را ارتقا دهیم و به طلبه‌ها بگوییم فقط فقه بخوانند. همه نیازهایی که یک طلبه از فقه تکامل یافته دریافت می‌کند، نیازهایی که از پایگاه فلسفه و منطق مدیریت می‌کرده است را پوشش می‌دهد. این بحث یک بحث طولانی هم هست و احساس می‌کنم که باید عالمانه بنشینیم و بحث کنیم. اگر دوستان باب گفتگو را نبندند، من حاضر هستم. یک وقتی هم من در موسسه امام بحث می‌گفتم، گفتند بیایم بنشینیم درباره معرفت‌شناسی بحث کنیم. گفتیم خیلی خوب است، نحوه پیدایش معرفت را فقهی بحث کنیم. اگر به آنجا می‌رفتم همین الگوی تفصیل را می‌گفتم و حالا هم ان‌شاء‌الله آرام آرام آن را بحث می‌کنیم. اصطلاحاً ناموس ما مسئله امتداد اجتماعی و مسئله تفکر است، جامعه‌ای که فکر نکند دچار چالش می‌شود، این‌ها حرف‌های درستی است که فلاسفه می‌زنند؛ ولی چه کسی گفته است که با مدل صدرا می‌توان آخرین مدل تحریک فکر را ایجاد کرد؟ این دعوی ماست؛ یعنی اگر ما صور فقهی تفکر را استنباط کردیم، قدرت تحریک فکر ما ارتقا پیدا نمی‌کند؟ همین مناقشه را با مدرنیته داریم؛ چه کسی گفته است تفکر محدود به تجربه می‌شود؟ اصالت تجربه، محل بحث است و ما سایر ابعاد تفکر را نیز می‌توانیم بحث کنیم، حالا ان‌شاء‌الله وارد این بحث می‌شویم. من از سعه جنابعالی تشکر می‌کنم.

یکی از حاضرین (۲): بسم الله الرحمن الرحیم بنده بیشتر به دلایل شخصی اینجا هستم، مباحث شما درباره الگوی ساخت به نوعی در حوزه کاری من کاربرد دارد، من پژوهشگر صداوسیما قزوین هستم و از قزوین خدمت شما می‌رسم. امسال یک کار پژوهشی دارم در ارتباط با تحلیل گفتمان برنامه‌های اقتصادی مرکز در پرداخت به موضوعات مطرح در توسعه پایدار. ما دقیقاً کار تصویرسازی را انجام می‌دهیم و من می‌خواهم بحث تصویرسازی توسعه پایدار که اتفاق می‌افتد را در قالب پژوهش خودم به چالش بکشم. چطور می‌توانم به منابعی مانند نقد توسعه پایدار و الگویی که شما در ارتباط با موضوعات توسعه پایدار ارائه می‌دهید دسترسی داشته باشم؟ آیا باید همین کلاس‌ها را ببایم یا منبعی هست که در اختیار داشته باشم؟

حجت‌الاسلام کشوری: سؤالی که جنابعالی راجع به نحوه تغییر تصویرسازی‌هایی که در صدا و سیما اتفاق می‌افتد دارید به بحث الگوی تنظیم و تحلیل خبر بازمی‌گردد، در آنجا باید بحث شود. ان‌شاء‌الله به زودی دور دوم گفتگوهای الگوی تنظیم و تحلیل خبر را مطرح می‌کنیم، تا جایی که من از دوستان تدوین خبر دارم، دور اول این گفتگوها - که گفتگوهای اجمالی بوده - پیاده و تدوین نشده است.^{۵۱} لذا باید جلسه مجزایی برگزار شود و آنجا دوباره تنظیم و تحلیل خبر را مبتنی بر تحریک فکر توضیح بدهیم و بیان کنیم که چگونه خبر را تنظیم کنیم تا فکر تغییر پیدا کند. به دلیل اینکه الگوی ساخت، الگوی حاکم بر تبویب و تدوین نظریات ما در مقام نظام مقایسه است؛ خود الگوی تنظیم و تحلیل خبر نیز شامل تعریف، تصویر و تصمیم است؛ یعنی مثلاً شما باید تصمیم بگیرید که از تمام سند توسعه پایدار کدام بخش آن را به چالش بکشید؛ چون در تولید خبر نمی‌توان ۱۶۹ هدف را محور قرار داد.

مثلاً ما تصمیم گرفتیم که چهار بخش از آن را به چالش جدی بکشیم: یکی هدف اول که بخش رفع فقر است، یکی هدف دوم که به سلامت و امنیت غذایی و تراریخته‌ها می‌رسد، یکی هدف سوم که بخش سلامت است و دیگری هدف یازدهم که بخش مسکن است. از مجموع هدفه هدف، فعلاً تصمیم ما ایجاد چالش در این ۴ بخش است.

۵۱. مباحثات مطرح شده در جمع گویندگان، نویسندگان، مجریان و تهیه‌کنندگان واحد صدای سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در

در بخش تصویرسازی، ما گزارش توسعه هزاره را مطرح می‌کنیم و بعد می‌پرسیم توسعه هزاره چه گلی به سر ما زده است که شما حالا سند توسعه پایدار را مطرح می‌کنید؟ دنیا به محوریت سازمان ملل هشت آرمان را مطرح می‌کرد و برنامه‌های آن ۱۵ سال اجرا شد، خوب چرا این ارزیابی نمی‌شود؟ البته منظورم ارزیابی مستقل است. مثلاً ما ارزیابی سازمان ملل در زمینه هدف سوم را در مسجد جمکران بحث کردیم؛ آن‌ها گفته‌اند چون ما اپیدمی‌های سه گانه -وب، ایدز و مالاریا- را کنترل کردیم در توسعه هزاره موفق بوده‌ایم.^{۵۲} خوب آیا این معیار ارزیابی از نظر شما درست است؟ اساساً آیا این معیار ارزیابی در ایران جاری است؟ یعنی ما در اینجا اپیدمی سل داریم؟ اپیدمی ایدز داریم؟ اصلاً این اپیدمی‌های مورد ادعا در ایران اپیدمی هستند که شما می‌گویید ما موفق بوده‌ایم؟ در بخش تصویرسازی، گذشته چیز خیلی خوبی است. یک چیزی در کتاب می‌نویسند و منتشر می‌کنند؛ ولی خوب معیار ارزیابی در ایران صادق نیست. بر فرض اینکه صادق هم باشد پس بیماری‌های مزمن چه می‌شود؟ وضعیت بیماری‌های مزمن هر روز وخیم‌تر می‌شود. تصویرها را باید به چالش بکشیم.

همچنین باید تعریف‌ها را به چالش بکشیم: مثلاً تعریف پیشگیری از بیماری؛ سازمان ملل گفته است اگر سه زیرساخت را مدیریت کنیم پیشگیری اتفاق می‌افتد.^{۵۳} خوب آیا این تعریف از پیشگیری درست است؟ ما اساس پیشگیری را خصوصاً در مورد بیماری‌های روحی و روانی تغییر نظم و انضباط اجتماعی می‌دانیم؛ ما قانون متراکم را منشاء پیدایش بیماری‌های روحی و روانی می‌دانیم؛ چون قانون متراکم یعنی امر و نهی متراکم و عامل اصلی پیدایش بیماری‌های روحی و روانی در انسان، به رسمیت نشناختن اختیار انسان است. انسان‌ها حتی اگر در محیط خانواده هم متراکم امر و نهی شوند دچار چالش‌های روحی و روانی می‌شوند. حالا اینها مثال‌هایی بود که عرض کردم، ولی باید اجازه دهید که الگوی تنظیم و تحلیل خبر را بحث کنیم تا بحث شکل بگیرد. تبلی از ما بوده است که دور اول این مباحثات منتشر نشده است.

یکی از حاضرین (۲): اگر امکان دسترسی به صوت باشد خودم پیاده می‌کنم و به مجموعه هم تحویل می‌دهم.

حجت‌الاسلام کشوری: به نظرم اگر اجازه دهید خود دوستان انجام بدهند بهتر است؛ چون در مباحث ما تدوین قواعد خاصی دارد، مثلاً ارجاعات بحث نیست و استفاده جنابعالی سخت می‌شود. ان شاء الله ما یک مقدار فعال‌تر بشویم.

جناب آقای امیرحسین حیدر: یک سؤالی که مطرح می‌شود این است که رابطه فقه‌البیان با الگوی تفصیل چیست؟

حجت‌الاسلام کشوری: الگوی تفصیل، جمع و جور شده فقه‌البیان^{۵۴} است، خلاصه فقه‌البیان است. خود الگوی ساخت نیز خلاصه فقه‌البیان است. در واقع چون حوصله ۴ سال بحث فقه‌البیان نیست، هر بخش از آن را مجزا بحث کرده‌ایم.

جناب آقای امیرحسین حیدر: ما در روایات داریم که کتاب و سنت در مورد هر مسئله‌ای سخن گفته‌اند، خوب روایاتی که به دست ما نرسیده‌اند و چیزهایی زیادی که مطرح نشده‌اند چگونه جبران می‌شوند؟

حجت‌الاسلام کشوری: یعنی شما می‌گویید در هدایت اختلال ایجاد شده است؟ کتاب و سنت ابزار هدایت هستند. یعنی شما می‌پذیرید در دوره غیبت در هدایت اختلال ایجاد شده است؟ پس چطور اتمام حجت اتفاق می‌افتد؟ لازمه پذیرفتن اینکه

۵۲. کتاب سلامت در سال ۲۰۱۵، حرکت از MDGs به سوی SDGs، فصل پنجم

۵۳. کتاب سلامت در سال ۲۰۱۵، حرکت از MDGs به سوی SDGs، فصل دوم

۵۴. فقه‌البیان، یکی از زیرساخت‌های نه‌گانه هدایت و در واقع روش اصولی حاکم بر مباحث اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی است که بیان‌کننده قواعد استظهار از آیات و روایات است. دوره اول فقه‌البیان در مدرسه علمیه چهارباغ اصفهان در محرم سال ۱۳۹۶ برگزار گردید.

بگویید در کتاب و سنت اختلال ایجاد شده، این است که بگویید در هدایت اختلال ایجاد شده است. اگر می‌پذیرید، اشکالی ندارد. قصدم این است که معنای سؤال شما واضح شود. برادران و خواهران گرامی زحمت کشیدند، ان شاء الله خدای متعال توفیق دهد که به سمت عصر ظهور و تکامل انقلاب اسلامی با قوت و قدرت بیشتری حرکت کنیم.

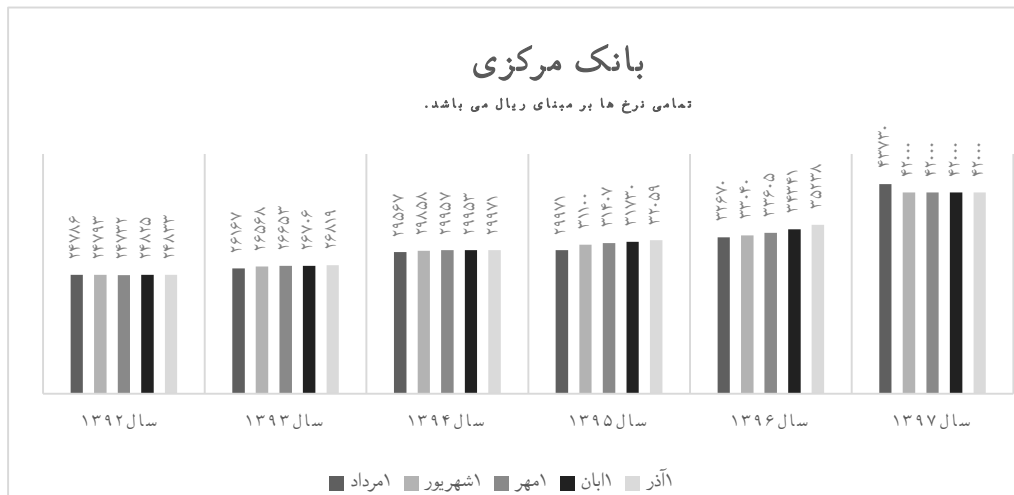
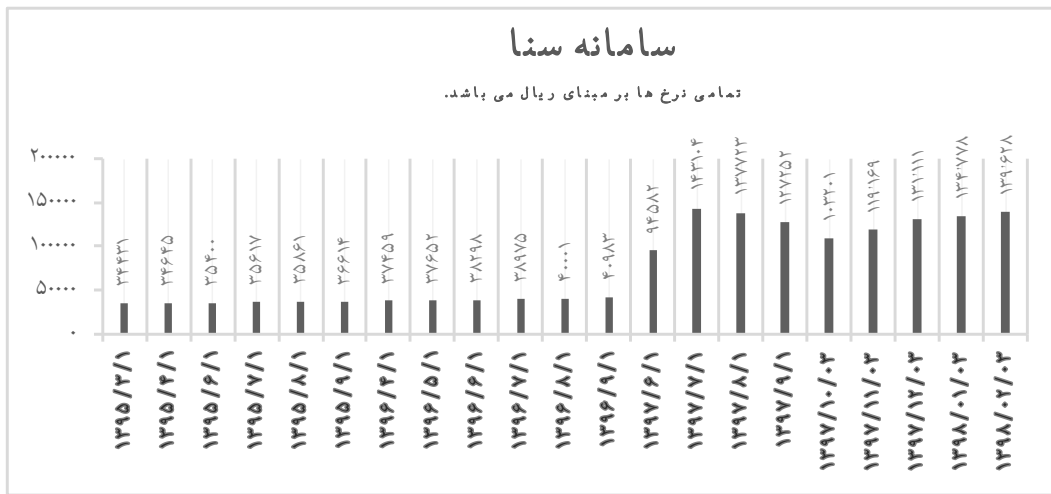
و صلی الله علی محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

پیوست ۱: کاهش ارزش پول ملی به علت شکست خوردن سیاست‌های غلط پولی و مالی

در این پیوست به دو موضوع پرداخته می‌شود؛ ۱- آماري که ثابت می‌کند ارزش پول ملی کاهش یافته است. ۲- ادله‌ای که ثابت می‌کند این کاهش ارزش پول ملی به علت سیاست‌های پولی- مالی و اقتصادی دولت است و خود این سیاست‌ها، وابسته به نظریه «سیاست خارجه توسعه‌گرا» (مبنای نظری «برجام») است.

۱- آمار کاهش ارزش پول ملی

با آغاز دولت یازدهم و اجرایی شدن سیاست خارج توسعه‌گرا (به تاریخ مرداد ۱۳۹۲) تا زمان تصویب برجام (اواخر خرداد ۱۳۹۵) ارزش پول ملی کاهش پیدا کرد؛ به عبارت دیگر از آذرماه ۱۳۹۵ (زمان انعقاد قرارداد با شرکت خدمات نفتی خارجی با موضوع نفت و گاز بعد از اجراشدن برجام) تا آذرماه ۱۳۹۷ نرخ ارز دولتی بنابر آمار بانک مرکزی ۳/۱ برابر افزایش پیدا کرد. [۱] و از آذر ماه ۱۳۹۵ تا اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ نرخ ارز مبادلاتی ۴/۰۵ برابر افزایش پیدا کرد. [۲]

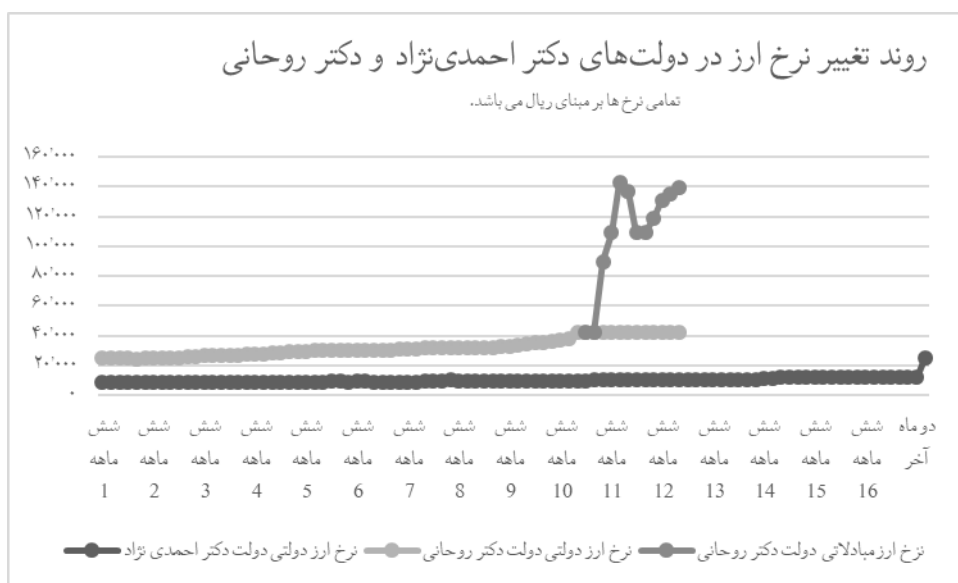


۲- تبیین نگرش دولت یازدهم و دوازدهم به «مسئله توسعه» و نسبت آن با «نظریه سیاست خارجه توسعه‌گرا» و «سیاست‌های پولی-مالی، اقتصادی، امنیتی و...» و تبیین تأثیر این نگرش خاص در کاهش ارزش پول ملی

۲/۱- مبتنی بر کنفرانس ملی چشم‌انداز بیست ساله و الزامات سیاست خارجه توسعه‌گرا اینگونه بر می‌آید که: راه رسیدن به توسعه و پیشرفت، اجرای عملی سیاست خارجه توسعه‌گرا -مخصوصاً- برای ایران است. [۳]

۲/۲- از طرف دیگر طبق سخنان رئیس جمهور و دولت‌مردان، الزامات مورد نیاز برای اجرای نظریه سیاست خارجه توسعه‌گرا حاکم بر سیاست‌های پولی-مالی، اقتصادی، امنیتی و... بوده و به منزله هدف بالادستی نسبت به آن‌ها تعریف می‌شود. [۴]

بنابراین، سیاست خارجه توسعه‌گرا راه اصلی برای بهبود وضعیت توسعه و پیشرفت کشور شده است؛ که مصداق بارز آن برجام و مذاکرات با گروه ۵+۱ است.



مقایسه ارزش پول ملی نسبت به دلار به صورت ماهانه در دولت نهم و دهم با دولت یازدهم و دوازدهم

بنابر آمار ذکر شده از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، میزان کاهش ارزش پول ملی در کل دوره دولت نهم و دهم در هر ماه به‌طور میانگین ۱۶/۱۲۵ تومان و در دوره دولت یازدهم و دوازدهم تا اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ در هر ماه به‌طور میانگین ۱۵۵/۱۷۸ تومان بوده است؛ به عبارت دیگر سرعت کاهش ارزش پول ملی در دو دولت یازدهم و دوازدهم ۹/۶۲ برابر دولت نهم و دهم است.

همچنین قیمت طلای ۱۸ عیار هر گرم در مرداد ماه ۱۳۹۲ برابر با ۱،۰۴۰،۰۰۰ تومان و در اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ برابر با ۴،۷۶۰،۰۰۰ تومان است که حدود ۳ برابر افزایش را نشان می‌دهد. [۵]

* لازم به ذکر است به علت در دست نبودن اطلاعات دقیق و مستند از نرخ ارز در دولت‌های قبل از دولت نهم موفق به ذکر آن نشدیم. همچنین باید گفته شود که هدف گزارش ما صرفاً کار علمی بوده و غرض سیاسی و حزبی در این گزارش دنبال نشده است و حتماً نقدهای جدی‌ای نیز به دولت نهم و دهم در عرصه سیاست‌های پولی-مالی وارد است.

** در این نمودار، حداقل از ۱۵۰ داده آماری مستند به آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استفاده شده است.

[۱] در این میان دولت در تاریخ ۳ اردیبهشت ۱۳۹۷ سامانه نیما را برای کنترل نرخ ارز وارد بازار کرد. بعد از این کار ارز دوزخی شد؛ یعنی نرخ ارز مبادلاتی به وجود آمد. نرخ ارز مبادلاتی، آمار نرخ ارز بازار آزاد است و نرخ ارز دولتی، نرخ ارز است که دولت آن را تعیین کرده است.

آدرس مطلب در سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: www.cbi.ir

[۲] تمامی آمارهای ذکر شده از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نشانی www.cbi.ir استخراج شده است.

[۳] در خلاصه منتشر شده از کنفرانس ملی چشم‌انداز بیست ساله و الزامات سیاست خارجه توسعه‌گرا اینگونه بیان شده است که:

تاریخ توسعه در دوران پس از جنگ دوم جهانی به روشنی گواه آن است که یک کشور هر چند به لحاظ داخلی غنی باشد، توانایی تأمین تمامی منابع مورد نیاز خود را در روند توسعه ندارد. از این رو به ناگزیر باید بخشی از این منابع را از محیط بین‌المللی کسب کند.

آدرس مطلب در سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام، خلاصه کنفرانس چشم‌انداز بیست ساله: www.csr.ir

[۴]. نمونه‌هایی از اظهارات مسئولان دولت در این باره:

۱- منوط کردن صلح و امنیت به توسعه پایدار و برجام

سخنرانی دکتر حسن روحانی به‌عنوان رئیس دولت یازدهم در مجمع عمومی سازمان ملل متحد: «... تنها راه تداوم صلح، توسعه است و صلح بدون توسعه یک زنگ تفریح است ...»

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری: yon.ir/HPUh9

در سال ۱۹۵۲ با اجرائی شدن پیمان صلح سانفرانسیسکو، ژاپن مجدداً استقلال خود را بازیافت. در همان روزی که پیمان صلح امضاء شد، ژاپن و آمریکا پیمان امنیتی «معاهده حفظ امنیت میان ژاپن و آمریکا» را هم امضاء کردند. بر طبق این پیمان امنیتی، ژاپن به نیروهای نظامی آمریکا پایگاه و تسهیلات استقرار در این کشور و با نزدیک آن اعطا کرده و آمریکا هم متعهد به دفاع از ژاپن در مقابل تهدیدات و حملات نظامی شد. به عبارتی ژاپن با دادن پایگاه و متعهد شدن هزینه استقرار این نیروها، خود را تحت امنیت چتر حفاظتی آمریکا قرار داد.

مرکز مطالعات ژاپن: yon.ir/6Y7ft

تحلیل: ایشان ادعا کردند که اولاً امنیت و صلح بودن توسعه رخ نمی‌دهد و ثانیاً توسعه به جز با سیاست خارجه توسعه‌گرا اجرائی نمی‌شود (حداقل در ایران)؛ بنابراین صلح و امنیت بدون سیاست خارجه توسعه‌گرا رخ نمی‌دهد. این در حالی است که علت اصلی جنگ طمع‌ورزی کشورهای زورگو می‌باشد و بدیهی است که توسعه‌یافتگی هرگز بازدارنده این طمع‌ورزی نیست و اتفاقاً در برخی از موارد موجب طمع‌ورزی بیشتر طمع‌ورزان خواهد شد. در دنیای امروز مهم‌ترین عامل بازدارندگی توان دفاعی یک کشور است و اگر در این موضوع استقلال نداشته باشند پیشرفت کشور دچار چالش خواهد شد. به عنوان مثال ژاپن یک کشور توسعه‌یافته، علاوه بر اینکه در توان دفاعی استقلال ندارد، توان دفاعی خود را نیز در دست کشور طمع‌ورزی چون آمریکا قرار داده است؛ بنابراین کشوری چون ژاپن که در رده ۱۹ توسعه‌یافتگی قرار دارد، قدرت بازدارندگی در مقابل طمع‌ورزان ندارد و کشوری مثل آمریکا می‌تواند این کشور توسعه‌یافته را مورد تجاوز قرار دهد و توسعه پایدار آن را به چالش بکشد. البته مسئولین این کشور نیز به این مسئله واقف هستند.

برای نمونه یوکیو هاتویاما نخست وزیر سابق ژاپن در دیدار با سرگئی ناریشکین رئیس دوما روسیه تصریح کرد: «زمانی که من وزیر خارجه ژاپن بودم شرایط شبیه الان بود؛ یعنی دولت ژاپن و به خصوص وزارت امور خارجه همیشه یک نگاه به مواضع آمریکا در عرصه سیاست خارجه داشت که با انجام این کار، دیپلماسی ژاپن استقلال خود را از دست خواهد داد و اتخاذ این موضع از سوی دولت توکیو به معنای بدبختی برای کشور خواهد بود.»

خبرگزاری تسنیم: yon.ir/Fw9ug

دکتر روحانی در سالگرد حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی: «بعد از توافق برجام، هاشمی گفت سایه جنگ از ایران برداشته شد و من راحت خواهم مرد.»

تحلیل: بازدارندگی و دافعه یک کشور در برابر دشمنان و استعمارگران و مستکبران به قدرت نظامی آن کشورها بستگی دارد؛ اما مرحوم و نقل قبول‌کننده قول ایشان قدرت نظامی را در بازدارندگی کشور مؤثر نمی‌دانند. (حداقل در این سخنرانی) و در عوض برجام را عامل بازدارنده و عامل امنیت ایران معرفی می‌کنند.

آدرس مطلب در سایت رسمی ریاست جمهوری: www.president.ir

==دکتر روحانی در دیدار رئیس‌جمهور سوئیس: «حمایت از حفظ برجام، حمایت از شورای امنیت و صلح و امنیت در منطقه است.»

آدرس مطلب در سایت رسمی ریاست جمهوری: yon.ir/XzgDG

۲- منوط کردن محیط زیست، مسائل بانکی و معیشت مردم به رفع تحریم‌ها به وسیله سیاست خارجه توسعه‌گرا

دکتر روحانی در همایش محیط‌زیست اظهار کرد: «تحریم‌های ظالمانه باید از بین برود تا سرمایه به کشور بیاید؛ تا مسئله محیط‌زیست حل شود؛ تا اشتغال جوان‌ها حل بشود؛ تا صنعت جامعه حل بشود؛ تا آب خوردن مردم حل شود؛ تا منابع آبی ما زیاد بشود؛ تا بانک‌های ما احیا بشود.»

تحلیل: ایشان اقتصاد، مسائل محیط‌زیست، منابع آبی و حتی آب خوردن و ... را به سیاست خارجه توسعه‌گرا منوط می‌کند.

آدرس مطلب در سایت خبرگزاری ایسنا (کد خبر: ۹۴۰۳۱۷۰۹۰۷۶)

۳- اشتغال جوانان منوط به ورود سرمایه‌گذاران خارجی همراه با رفع تحریم‌ها

مجید انصاری، معاون پارلمانی دولت یازدهم می‌گوید: «دولت بعد از اجرائی کردن توافق و رفع تحریم‌ها، گشایش بزرگی را برای جذب سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال برای جوانان ایجاد خواهد کرد.»

آدرس مطلب در سایت رجانیوز: yon.ir/dS mu9

۴- منوط کردن امنیت به برجام

۵- ایجادکننده ذهنیت مثبت در دنیا نسبت به ایران به وسیله برجام

دکتر روحانی در مراسم روز دانشجو در دانشگاه علوم پزشکی سمنان: «قبل از برجام دنیا ایران را محکوم می‌کرد و امروز آمریکا را. اگر فکر می‌کنید آمریکا پیروز است، بدانید که امروز ایران پیروز است و ترامپ شکست خورده است.»

آدرس مطلب در سایت رسمی ریاست جمهوری: yon.ir/jtahO

۶- رشد اقتصادی به وسیله برجام

دکتر روحانی در مراسم روز دانشجو در دانشگاه علوم پزشکی سمنان: «برجام راه را برای نفت، تجارت و بانک‌ها باز کرد و سرمایه‌ی زیادی وارد کشور شد.»

آدرس مطلب در سایت رسمی ریاست جمهوری: yon.ir/B3iia

دکتر حسن روحانی ۲۷ دی ۹۴: «امروز با اعلام رسمی اجرای برجام، از پرونده هسته‌ای ایران، «امنیت‌زدایی» شد؛ قطعنامه‌های ظالمانه علیه ملت ایران، لغو گردید؛ طومار تحریم درهم پیچیده شد، حقوق هسته‌ای ایران تثبیت گردید و اقتصاد ایران در مدار اقتصاد جهانی قرار گرفت. می‌دانم در طول سال‌های تحریم و فشار، بر شما چه گذشته است؛ اما اکنون که زنجیرهای تحریم از پای اقتصاد ایران گسسته شده و عزت و استقلال کشور نمایان گشته است، اکنون زمان ساختن و بالیدن است.»

آدرس مطلب در سایت خبرگزاری تسنیم: yon.ir/TQoQe

دکتر حسن روحانی در ۲۶ اسفند ۹۴: «ما در سال ۹۵ بهاری را آغاز می‌کنیم که در آن بانک‌ها و بیمه‌های ما تحریم نیستند و می‌توانیم با کشورهای مختلف تجارت داشته باشیم و سرمایه‌گذاری‌ها در کشور ما آغاز شده و قراردادهای بسیار مهمی در سطوح مختلف با کشورهای دنیا به امضاء رسیده است.»

آدرس مطلب در سایت خبرگزاری تسنیم: yon.ir/TQoQe

دکتر حسن روحانی در ۱ فروردین ۹۵: «ملت ما با همدلی برجام را به فرجام مطلوب رساند، زنجیرهای تحریم را پاره کرد و زمینه را برای فعالیت در زمینه‌های اقتصادی مهیا نمود. تحریم‌های بانکی، مالی، پولی، نفتی، پتروشیمی، بیمه، حمل‌ونقل و همه تحریم‌های هسته‌ای برداشته شد و شرایط برای فعالیت اقتصادی مردم ما آماده‌تر شد.»

آدرس مطلب در سایت خبرگزاری تسنیم: yon.ir/TQoQe

محمد نهاوندیان، معاون اقتصادی رئیس‌جمهور تأکید دارد که «بعد از توافق منتظر رشد اقتصادی، کاهش تورم و خروج از رکود باشید.»

تحلیل: سه عبارت ذکر شده از شاخصه‌های توسعه‌یافتگی است. بنابر نظر ایشان توسعه نیافتن کشور به علت تحریم‌هاست و رفع آن‌ها به وسیله سیاست خارجه توسعه‌گرا باعث توسعه‌یافتگی ایران خواهد شد؛ بنابراین بر این باورند که این شاخصه‌ها در ایران جهش قابل توجهی خواهد کرد.

محمدعلی نجفی، دبیر ستاد هماهنگی اقتصادی دولت یازدهم می‌گوید: «توافق هسته‌ای موجب خروج سریع کشور از رکود خواهد شد.»

محمدجواد ظریف در کمیسیون برجام می‌گوید: «کل تحریم‌های اقتصادی، مالی و پولی اتحادیه اروپا، کل تحریم‌های ایالات متحده که بر شخصیت‌های غیر آمریکایی اعمال می‌شود از روز اجرا لغو خواهد شد؛ علاوه بر آن تحریم ۳۵ ساله هواپیمایی نیز لغو می‌شود.»

آدرس مطلب در سایت رجانیوز: yon.ir/Ds mu9

۷- بهینه شدن سلامت در بخش درمان و کشاورزی به وسیله برجام

دکتر روحانی در جلسه شورای اداری، توسعه و برگزیدگان استان خراسان رضوی: «هدف دولت از برجام، رفع ظلم‌هایی چون تحریم از سر کشور و مردم بود. بعد از برجام، سلامت مردم در بخش کشاورزی و درمان ارتقا یافت.»

آدرس مطلب در سایت رسمی ریاست جمهوری: yon.ir/qxQIU

۸- برجام؛ بهبوددهنده ارتباط با کشورهای دنیا

دکتر روحانی در تماس تلفنی رئیس‌جمهور فرانسه: «برجام اولین پایه مهم برای اعتماد میان ایران و کشورهای غربی است.»

آدرس مطلب در سایت رسمی ریاست جمهوری: yon.ir/aererc

نتیجه: دولت یازدهم و دوازدهم تا کنون سیاست خارجه توسعه‌گرا را تأثیرگذار در امور ذکر شده (حداقل) می‌دانند که این موضوع مدعا را ثابت می‌کند.

[۵] شبکه اطلاع‌رسانی سکه، طلا و ارز آدرس www.tgiu.org

“

اگر می‌خواهید با محوریت دین نظم جامعه‌تان را تغییر دهید، باید تعریف، تصویر و تصمیم را بر مبنای فقه بحث کنید. در موقعیتی که آن نظم، تعریف غلط می‌دهد، شما باید تعریف صحیح بدهید. در واقع آن نظم غلط، یک بدعت ظهور یافته است؛ چه چیزی را به جای آن می‌گذارید؟ برای مثال در مسکن تعریف «دار واسع» را داریم؛ می‌گویید: «تعریف من از مسکن دار واسع است.» سپس تصویرسازی را آغاز می‌کنید و تصویر انسان را در دار واسع بحث می‌کنید. در این تصویرسازی سه فایده را برای دار واسع بیان می‌کنیم: «رعایت حقوق همسایگی، کاهش هزینه‌های خانوار و افزایش کیفیت مواد غذایی و گسترش تربیت فرزند». باید در مسئله مسکن تصمیم بگیریم. باید در شهرهای جدید با نمایندگان مجلس، کمیسیون‌ها و مراجع محترم گفتگو کنیم. اجازه ندهید که شهرهای جدید به شکل آپارتمان طراحی شود! آن را بر مبنای تعاریف «دار واسع» طراحی کنید.

”